

# نگذاریم که خطر امپریالیسم امریکا - دشمن اصلی مردم ایران، نادیده و یاناچیز گرفته شود



شماره ۱۸۸ - شنبه ۲ خرداد ۱۳۶۰، دوره هفتم، سال سوم  
۱۸ رجب ۱۴۰۱ - ۱۵ ریل

## رژیم دیکتاتوری ضیاء الحق نقش ژاندارم امپریالیسم امریکا در منطقه را بعهده میگیرد

در دیدار اخیر آقا شاه، وزیر امور خارجه پاکستان، از واشنگتن، که در روزهای اول اردیبهشت ۶۰ انجام گرفت، دولت امریکا موافقت خود را در مورد ککهای نظامی با پاکستان مبلغ دو میلیارد و پانصد میلیون دلار اعلام کرد. طبق گزارش خبرگزاری یونایتد پرس، از جمله تسلیحاتی که در اعتبارات کک نظامی امریکا به پاکستان پیشبینی شده است، هواپیماهای بمبافکن اف-۱۶ خواهد بود.

بقیه در صفحه ۲

کمریند توطئه‌های امپریالیسم جهانی، سرکردگی امپریالیسم هاز و متجاوز امریکا، گردمین انقلاب ما تنگ و تنگتر میشود. توطئه ششم امریکا، که جنگ تحویلی صدام علیه ایران است، توانست امپریالیسم را به هدف اساسی، که در هم شکستن انقلاب و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران است، برساند. اما این شکست آشکار و ناکامی توطئه‌های پیشین امپریالیسم، او را سرعت می‌بخشد، بلکه تری تری و گستاخ‌تر ساخته است.

دقت و آمدهای بی‌وقفه مقامات سیاسی نظامی امپریالیسم امریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان فدرال و اتریش به کشورهای مرتجع منطقه، دیدارهای متقابل امیران امارات و «رجال» پاکستان و هریستان سعودی با مقامات امریکا و انگلیس، انعقاد قراردادها و فروش اسلحه به دولتهای ارتجاعی منطقه، همراه با اعزام جاسوسان مقرر به مقصد کارشکنی، بافتن زنجیرهای از کشورهای دست‌نشانده منطقه بمنظور همکاری نظامی، تقویت پایگاههای نظامی امریکا در این سوی جهان و توان بخشی بیشتر به صیبه واگشای سرخ، تشکیل کنفرانس ریزیران امور خارجه میان «اتاق» در رم و جلسات نظامیان «اتاق» در بن و بروکسل، با هدف اساسی تشدید مساعیه تسلیحاتی و تدارکات نظامی در جهان و از جمله در خلیج فارس، علاقه پتاکون به ایجاد نیروهای چند ملیتی واگشای سرخ «اتاق»، که بقیه در صفحه ۲

روز دوشنبه ۴ خرداد ۱۳۶۰،  
بعد از اخبار شب در شبکه اول:

## بحث آزاد تلویزیون

### درباره «آزادی» هرج و مرج، زورمداری بشراکت حزب توده ایران پخش می‌شود

در این بحث رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران شرکت دارد. سایر شرکات کنندگان در این بحث عبارتند از: آقای یهشتی (از حزب جمهوری اسلامی ایران)، آقای بیمنان (از جنبش مسلمانان مبارز) و آقای فتاویز (از سازمان فدائیان خلق «اکثریت»).

\*\*\*

تذکره: طبق اطلاع قبلی تلویزیون قرار بود که این بحث در روزهای دوشنبه ۴ و سه‌شنبه ۵ خرداد ۱۳۶۰ پخش شود. ولی روز پنجشنبه تلویزیون اعلام کرد که به علت تراکم برنامه، پخش اول این بحث سه شنبه ۵ بعد از ظهر روز جمعه اول خرداد پخش می‌شود. و دیروز پخش اول این بحث در محیط سالم و با موفقیت برگزار شد.

### ارتفاعات الله اکبر به تسخیر نیروهای مسلح انقلاب درآمد

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران روز پنجشنبه طی یک حمله گسترده به مواضع تجاوزگران سدامی که ارتفاعات الله اکبر در قبه در صفحه ۲

## فعالتهای تخریبی موساد (سازمان جاسوسی) در ایران اسرائیل

دیگر شهرستانها مستقیما شرکت میکردند. اما هیچ تلاشی نتوانست از سقوط آن رژیم جلوگیری کند. موشه گامبال، که در آلمان در تهران بود، و دیگر عاملین اسرائیل، نتوانستند از تاسیسی شبکه گسترده جاسوسان موساد در ایران مناصت حاصل آورند. بسیاری از سرسپردگان رژیم شاه و جاسوسان موساد از بیم مجازات و خشم پر حق مردم به اسرائیل فرار کردند. متلاشیان مملون رئیس ساواک و سرانکر پالیزیان اکنون در اسرائیل هستند و با کمک موساد در آنجا گروههای تروریستی را سازمان سلطنتی مردم ایران در تهران و

مفسر رادیو مسکو در این باره میگوید: «مراکز جاسوسی دول امپریالیستی و دولت صهیونیستی اسرائیل بطور مداوم علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت میکنند. در این زمینه یوزره موساد (سازمان جاسوسی اسرائیل) نقش بسیار فعال دارد. در دوران رژیم شاه موساد با همکاری اسرائیل و ساواک همکاری نزدیکی در ایران داشت و یکی از عوامل حفظ و ثبات این رژیم بود. گروههای ویژه موساد در عملیات سرکوب مسلحانه بسیاری از تظاهرات و راهپیماییهای ضد سلطنتی مردم ایران در تهران و

### ۳۴ سال از شهادت فریدون ابراهیمی فرزند برومند خلق آذربایجان گذشت

## پرچم مبارزه و فتح بردارستم

«دستهای پینه بسته، درهای محکم زندانها و شکنجه گاهها را خواهند گشود و جلادان و مستکبران را نابود خواهند کرد.»  
این خواست اکنون به تحقق پیوسته است، اما گوینده این کلمات، ۳۴ سال پیش جان پاک خویش را برای تحقق این آرمان فنا کرد. او فریدون ابراهیمی، فرزند برومند خلق آذربایجان، توده‌ای قهرمان و دادستان کل حکومت ملی آذربایجان، ۳۵ سال پیش در سنگر کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان، پس از ۳۴ ساعت نبرد مسلحانه با مزدخیمان شاه مملون، به اسارت درآمد و در ۴ صبح روز اول خرداد ۱۳۲۶، در خیابان ستارخان تبریز جلوی باغ گلستان به چهره مبارزانه، استقلال و آزادی و ترقی ایران، بدمت آنها بدار آویخته شد. فریدون ابراهیمی، توده‌ای قهرمان، نویسنده‌ای فعال، حقوقدانی برجسته و فرزند دلیر خلق آذربایجان بود. او پس از تشکیل حکومت ملی آذربایجان در مجلس موسسان به عضویت هیئت حکومت ملی خلق برگزیده شد و بتوان دادستان کل آذربایجان به مبارزه علیه رژیم وابسته و مستکبرانه پهلوی ادامه داد و سرانجام نیز در همین راه به شهادت رسید. راه او را دیگر فرزندان دلیر خلق آذربایجان و همه مردم انقلابی ایران، ادامه دادند و سرانجام پرچم مبارزه مترک

خلق را بر فراز ویرانه‌های ستم برافراشتند. یاد فریدون ابراهیمی در قلب و اندیشه خلق آذربایجان و دیگر خلقهای ایران، جاویدان است.

### نه، این قافله را اسرا را از استادی نیست

## رفیق شهید، توده‌ای قهرمان، جهانگیر خادم محمدی، به قافله شهدای توده‌ای پیوست



یافتن کار، خود را در کارخانه‌های نجای یافت و در آنجا بود که چهره کربیه استعمار را به روشنی دید و با دمنشی سرمایه‌داری آشنا شد. تابستان بعد که رفیق جهانگیر به کار ساختمانی پرداخت، دیگر با گوشه‌نویسی خود استعمار را می‌شناخت و اعماق جانش از کینه علیه سرمایه‌داری لبریز میشد. آنجا که به آوای حزین کارگران گوش می‌داد، قلبش از عشق به زحمتکشان و نفرت به سرمایه‌داران لبریز می‌شد. او در جست و جوی خویش برای ویران کردن این جهان نفرت‌آورد آموخت که: «باید به آینده امید داشت. باید به کار و به مهربانی و دوست داشتن امید داشت و آینده»  
بقیه در صفحه ۲

رفیق قهرمان دیگری، درجه‌بندی فرد یا تجاوزگران سدامی - امریکائی جان خود را فدا کرد. يك توده‌ای دیگر، رفیق شهید جهانگیر خادم محمدی، در جانی که ترکش شماره قاتلش را به چندبار می‌کرد یا شمار هرگز بر امریکاه، به قافله شهدای توده‌ای پیوست.  
رفیق جهانگیر در سال ۱۳۴۰، در يك خانواده زحمتکش، در قلب رنج و کار، چشم بر جهانی گشود که هیولای سرمایه‌داری دیکتاتوری حافظ آن، چنین ما را در پنجه‌های خویش می‌فشرد. رفیق جهانگیر، که سومین فرزند خانواده خادم محمدی بود مانند دیگر بچه‌های یوسف آباد آذربایجان، در رزم لحظه به لحظه قد کشید و باید، زندگی او بسا هستی

### لئونید برژنف در جشن شصت سالگی جمهوری و حزب کمونیست گرجستان: رویدادهای خاورمیانه هم تأسف آوراست، هم خطرناک

★ جنگ اعلان‌نشده علیه افغانستان باید پایان یابد.  
★ اتحاد شوروی نمیتواند استقرار موشکهای اتمی جدید امریکا را در اروپا بپذیرد

درباره مسائل عمده جنگ و صلح شده، تا، بدینسان، جو بین‌المللی سالم‌تر گردد.  
لئونید برژنف این سخنان را در کرده‌های در قلبش یمناست

# برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

### رژیم دیکتاتوری ضیاءالحق...

بقیه از صفحه ۱

توافق اخیر آمریکا و پاکستان درباره ککهای نظامی به پاکستان از جانب دولت آمریکا، بیاتر اهداف استراتژی نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه است، کمپس از نیروی انقلابی شکوهمند مردم ایران و انقلاب دمکراتیک در افغانستان، به اشکال گوناگون به مرحله اجرا درآمده است. تدارکات جنگی گسترده امپریالیسم آمریکا طی دوران پس از سرنگونی رژیم دیکتاتوری دست نشانده محمدرضای ملعون در ایران و تمرکز نیروهای عظیم دریایی، هوایی و زمینی در این منطقه، با تقویت قدرت نظامی رژیم های ضد خلقی و وابسته به آمریکا در منطقه همراه بوده و امپریالیسم آمریکا سعی کرده است که برای جبران مواضع نظامی از دست رفته خود در این منطقه، سرزمین ملی کشورها را به پایگاه نظامی خود تبدیل سازد و کشورهای مستقل این منطقه و قبل از همه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک افغانستان را در حلقه محاصره نظامی قرار دهد و در برابر کشورهای عضو جبهه پایداری، جبهه توطئه و تجاوز و تحریکات نظامی از رژیم های ضد خلقی و وابسته به خود در این منطقه را بوجد آورد. در اجرای این طرح به پاکستان نقش ویژه و مهمی محول شده است.

روزنامه آمریکائی «لوس آنجلس تایمز» به این پرسش که: چه انگیزه ای ایالات متحده آمریکا و چین را وادار ساخته که با این مقیاس گسترده به تقویت نیروی نظامی پاکستان بپردازند و این کشور را به پایگاه نظامی و سرریل تجاوزات و اقدامات ماجراجویانه خود تبدیل سازند، چنین پاسخ میدهد:

رژیم پاکستان بر حسب ماهیت دیکتاتوری و موقیت جنرالانی و استراتژیکی خود مناسب ترین کشور در این منطقه است که آماده و قادر است نقش مجری فعال سیاست امپریالیسم آمریکا در منطقه را ایفا کند.

در این مورد جنرال «دمن»، مفسر روزنامه واشنگتن پست، در تفسیر درباره روابط آمریکا و پاکستان نوشت:

«دولت پاکستان مسئله مربوط به انعقاد پیمان دفاعی جدید با پاکستان را بررسی میکند.

در این تفسیر آمده است که:

«رژیم ضیاءالحق از نظر واشنگتن مناسب ترین رژیم نظامی برای پاسهاری منافع آمریکا در حوزه خلیج فارس است.»

رومی جانلدا، رئیس شورای عالی صلح، در مورد روابط دولت آمریکا و پاکستان به این مطلب اشاره کرد که، آمریکا پاکستان را به پایگاه نظامی جدید تجاوز در منطقه تبدیل کرده و ضیاءالحق، دیکتاتور پاکستان، نقش ژاندارم منطقه را بجای شاه ملعون بعهده میگیرد.

روزنامه «تایمز آو ایندیا» نیز در این باره نوشت که آمریکا میخواهد نقش ژاندارم منطقه را که در سابق شاه مخلوع ایران بعهده داشت، به ضیاءالحق، دیکتاتور دست نشانده خود در پاکستان، واگذار کند.

قراردادهای نظامی و تسلیحاتی که طی دو سال اخیر، رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق منعقد ساخته، بخوبی نشان میدهد که جریان تبدیل پاکستان به پایگاه تجاوز و توطئه های نظامی از کانالهای گوناگون، یعنی مستقیماً از جانب آمریکا، کشورهای عضو پیمان «اتاق» چین و رژیم های ضد خلقی و وابسته به آمریکا در منطقه انجام میگردد.

چندی پیش صندوق بین المللی پول، که زیر نفوذ و کنترل آمریکا و دیگر دول امپریالیستی عضو «پیمان ناتو» قرار دارد، موافقت خود را با واگذاری وامی به مبلغ یک میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار به پاکستان اعلام کرد. ناظران سیاسی بر این عقیده اند که وام صندوق بین المللی پول، منظور تامین هزینه های نظامی سنگینی که پاکستان صرف خرید اسلحه و تجهیزات نظامی میکند، به رژیم ضیاءالحق داده شده است. روز ۲۴ اردیبهشت ۶۰، «دکسیون روابط خارجی سنای آمریکا» برنامه از سرگیری کمک های نظامی وسیع آمریکا به پاکستان را تصویب کرد. در این کمیسیون همچنین تصویب شد که قانون منع کمک نظامی آمریکا به کشورهایی که برای تهیه سلاح اتمی کوشش میکنند، اتروده شد که بموجب آن، پاکستان مشمول این منع نخواهد بود. بدینسان دست دولت آمریکا برای هرگونه کمک نظامی به پاکستان باز گذارده شده است.

از سوی دیگر عربستان سعودی و مصر نیز با رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق قراردادهای نظامی منعقد کرده اند و اختیارات نظامی و کمک های تسلیحاتی در اختیار این رژیم می گذارند. واحدهایی از ارتش پاکستان، در مقابل کمک های نظامی و تسلیحاتی بلاموقعی عربستان سعودی، بمنظور تقویت نیروی نظامی و شرکت در ساختن تاسیسات نظامی در عربستان سعودی به آن کشور اعزام شده اند. همچنین بخش اعظم هزینه های نظامی و سایر هزینه های اردوگاه های ضد انقلابی افغانی، که در خاک پاکستان قرار دارند، بوسیله عربستان سعودی و مصر و دیگر رژیم های ضد خلقی منطقه تامین میشود.

ژنرال ضیاءالحق، علاوه بر اینکه کشور پاکستان را به پایگاه نظامی آمریکا و مرکز نیروهای ضد انقلاب افغانی و سرریل تجاوز علیه کشورهای مستقل و این منطقه تبدیل ساخته، در اجرای سیاست های توطئه گرانه و سرهم بندی بلوک های نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه نقش فعالی دارد. چندی پیش ضیاءالحق به کشورهای حوزه خلیج فارس و ترکیه مسافرت کرد. وی در جریان این مسافرت طرح تشکیل پیمان نظامی در منطقه را، که از جانب وزارت دفاع آمریکا تهیه شده است، با سران این کشورها در میان گذاشت. طبق این طرح تلاش میشود که یک پیمان نظامی با شرکت عربستان سعودی، سومالی و دیگر رژیم های وابسته به خود در این منطقه تشکیل شود که پاکستان در آن نقش ویژه ای خواهد داشت.

### بگین امکان کاهش «فعالیت های هوایی را بر فراز لبنان» رد کرد

این موشک ها تنها وظیفه دفاع از «نیروهای پاسدار صلح عرب» را بعهده دارند.

در این میان، وزیران خارجه کشورهای عرب، در تونس، به بررسی امکانات مقابله با تهدید اسرائیل علیه سوریه پرداخته اند. بگین حاکم نظامی رژیم جمهوری سوریه در حالیکه اسرائیل پیوسته به تهدید سوریه می پردازد، قلیلی حبیب، فرستاده رنگان هیچگونه راه حلی برای ازمیان برداشتن بحران خاورمیانه ارائه نمی دارد. وی، در عوض، تنها ادعاهای اسرائیل را تکرار میکند.

بگین یاد دیگری خواستار فرار هوایی موشک های ضد هوایی سوریه از لبنان شد. بقیه سوریه، این مسئله جز بهانه ای برای پیش گیری از سوی اسرائیل نیست، زیرا که

### لئونید برژنف...

بقیه از صفحه ۱

ناید سر توشه فلاکت بار میلیونها فلسطینی و لبنانی را که فراتی هوسرانی های نظامیان اسرائیلی قرار گرفته اند، نادیده گرفت. یک حرکت غفلت انگیز ممکنست هوای های جنگی را بر فراز مرزهای خاورمیانه به پرواز دریاورد.

رهبر شوروی پیشنهاد اتحاد شوروی را منتهی فرخوانسی کفرآفرینی بین المللی درباره مسائل خاورمیانه تکرار کرد.

لئونید برژنف هم چنین پیشنهادی ها را درباره عادی سازی اوضاع در

به پاکستان، رهبری مائوئیستی چین نیز در تبدیل پاکستان به پایگاه نظامی و سرریل تجاوز در این منطقه نقش مهمی را ایفا میکند.

طبق گزارش «خبرگزاری پرس فرانس» آریاندیه، در ماه های اخیر دید و بازدیدهای هیئت های نظامی چین و پاکستان گسترش یافته است. چندی پیش یک هیئت نظامی پاکستانی از پکن دیدن کرد. یک هیئت نظامی چین به ریاست، کتیل فرماندهی نیروی دریایی چین نیز به پاکستان مسافرت کرد. در جریان این دیدارها و مذاکرات، مسئله ایجاد پایگاه نظامی دریایی چین در بندر کراچی بررسی شده است. بدینال این مذاکرات «خبرگزاری پرس فرانس» اینترنشنال هند از انعقاد یک قرارداد نظامی محرمانه میان رژیم ضیاءالحق و رهبری چین خبر داده که بموجب آن چین در بندر کراچی یک پایگاه نظامی دریایی تاسیس خواهد کرد.

در گزارش همین خبرگزاری گفته می شود که تجهیزات نظامی و وسائل این پایگاه نظامی را دولت آمریکا تامین میکند. بدین ترتیب امپریالیسم آمریکا و رهبری چین در اجرای سیاست نظامیگری در پاکستان و تبدیل آن به پایگاه نظامی تجاوز و توطئه علیه کشورهای مستقل ملی این منطقه و قبل از همه علیه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک افغانستان، هماچانه همکاری دارند.

در یاسالار لودا توشنگ، کتیل فرماندهی نیروی دریایی چین، که در راس یک هیئت نظامی از پاکستان دیدن کرد، در مورد تقویت نیروهای دریایی پاکستان اظهار داشت که ناوگان دریایی پاکستان باید در اقیانوس هند نقش مهمی را ایفا کند. وی افزود که تشریک مساعی و عملیات نظامی مشترک ناوگان چین و پاکستان در این منطقه بسیار موثر خواهد بود.

سیاست واشنگتن برای تبدیل پاکستان به سرریل تجاوز در منطقه و تبدیل رژیم ضیاءالحق به ژاندارم امپریالیسم آمریکا در منطقه، با سیاستی که رهبران چین مدتهاست نسبت به رژیم ضیاءالحق در پیش گرفته اند، مطابقت کامل دارد. تاکنون در نواحی مرزی پاکستان یا هند، با کمک های چین، ۱۲ پایگاه نظامی تاسیس شده و راه های نظامی - استراتژیکی در این نواحی احداث گردیده است. تاکنون از جانب چین مقادیر زیادی اسلحه و مهمات در اختیار رژیم ضیاءالحق گذارده شده، که بمب افکن های چندگانه شان اف ۷ و موشک های نوع زمین به هوا از آن جمله اند.

واشنگتن تلاش دارد که پاکستان را به پایگاه نظامی و رژیم ضیاءالحق را به ژاندارم منطقه علیه جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دمکراتیک افغانستان و کشورهای جبهه پایداری تبدیل کند. رهبری چین نیز سعی دارد از پاکستان مشابه متحد نظامی و تکیه گاه خود علیه هند و نیز اجرای نقشه های توسعه طلبانه خویش در جنوب شرق آسیا استفاده کند.

تبدیل پاکستان از جانب امپریالیسم آمریکا و رهبری چین به پایگاه نظامی و گون توطئه و تجاوز، منافع همه خلفه های کشورهای مستقل ملی این منطقه را مورد تهدید جدی قرار میدهد. به همین علت همه کشورهای مستقل ملی این منطقه و در درجه اول جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دمکراتیک افغانستان و کشورهای عضو جبهه پایداری موظفند که با گسترش روابط میان خود، برای ایجاد جبهه متحد ضد - امپریالیستی در برابر این خطر تدابیر مشخص و جدی اتخاذ کنند.

### نه، این قافله را...

بقیه از صفحه ۱

روشنتر از خورشید را در عمل در نظر داشت، او این جمله را، که از گورگی آموخته بسوزن پیوسته تکرار می کرد: «ژندگی باید هدفی پس عالی داشته باشد و عالیترین هدف، تلاش برای سعادت و خوشبختی انسان است.» رفیق جهانگیر در میان شعله های انقلاب راه مبارزه را پیدا کرد. او در صفوف مبارزه خلق علیه استبداد و امپریالیسم، در همان سگهای ماقدم، که بسا عشق به خلق و انقلاب می گذاشت، یا جهان بینی طبقه کارگر آشنا شد و به حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران پیوست. از این پس او دستگیر حزب تودهای ما، مدافع خستگی ناپذیر انقلاب شکوهمند مردم ایران برهبری امام خمینی بود. از همین رو، بدینال تجاوز دشمنان صدامی و انتشار فحواخوان کفایت مرکزی حزب توده ایران، رفیق جهانگیر به جبهه شفاف، تشریحی، قبل از سفر او بسوی شهادت، ۲۸ روز او را بیکانه به زندان انداختند. اما ایمان استوار رفیق جهانگیر، که در سنگر حزب توده ایران آبدیده شده بود، از این عمل غیرقانونی و غیراخلاقی خلل ندید. او به محض آزادی از زندان، برای دفاع از همین و انقلاب به جبهه رفت.

رفیق شهید میدانست برای چه می جنگد. او در نامه ای از صف مقدم جبهه نوشت:

«هدف ما از جنگ، نه بغاوت، اندامه جنگ در جهنم است، بلکه هدف این جنگ، شکست جنگ است. ما خواهان جنگ نیستیم، بلکه خواهان از بین رفتن این جنگ هستیم.»

رفیق شهید میدانست برای چه می جنگد. او در نامه ای از صف مقدم جبهه نوشت:

«هدف ما از جنگ، نه بغاوت، اندامه جنگ در جهنم است، بلکه هدف این جنگ، شکست جنگ است. ما خواهان جنگ نیستیم، بلکه خواهان از بین رفتن این جنگ هستیم.»

رفیق شهید میدانست برای چه می جنگد. او در نامه ای از صف مقدم جبهه نوشت:

«هدف ما از جنگ، نه بغاوت، اندامه جنگ در جهنم است، بلکه هدف این جنگ، شکست جنگ است. ما خواهان جنگ نیستیم، بلکه خواهان از بین رفتن این جنگ هستیم.»

### فعالیت های...

میدهند و به ایران میفرستند، که موردت این گروهها ترور و خرابکاری و تحریک و ایجاد اختلاف میان خلفای ساکن در مناطق مختلف ایران است. اجرای عملیات تروریستی بعهده گروه ویژه ای واگذار شده که همسایه آمریکا و موصله برای این منظور تشکیل داده اند و در اسناد پناهمرزی «پارسلک پارسیز» اسناد تهران تبدیل کرده بود.

رفیق جهانگیر در نامه ای که از جبهه می نوشت، عشق خود را به زحمتکشان و کینه خود را به امپریالیسم و غارتگران چنین بیان می کرد:

«این جنگ تمامی ندارد، چه بر علیه عراق و بعد از آن بر علیه سرمایه داران، ولی برای دفاع از ایران و برای مردم و زمین است که حاضر سر خود را بیازم و اگر صدامیان را در رو بروییم، یا یاد مردم موصله آید (یکی از محله های قهر نشین لاهیجان - نامه مردم) که یا لیک طغیان رود خانه و کاشاکشان زیر آب رود و به یاد شما و ایمان به مردم می جنگم و آنچه نشان گیری و شلیک می کنم که تا لاهیجان صدامیان بیاید»

سراجم روز ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰، در سومین یاری که جهانگیر در کنار دلبران خلق برای دفاع از استقلال و آزادی همین انقلابی می زدید، ترس خیاره بیکر قهرمان او را درم گرفت و خون رفیق بار دیگر به نشانه میثاق نیروهای خلق، بسا خونریز و ارستی درم آمیخت.

روز ۱۳ اردیبهشت، بیکر گلگون رفیق شهید در لاهیجان بر شاه های خلق تشنه شد. مردم در حالیکه شمار می دادند: «این سندن جنایت امریکاست - این گل پر سر ماست - غصه رهبر ملت قامت خویند رفیق جهانگیر را به خاک سپردند و بدینسان یک تودهای قهرمان دیگر به قافله روزها، سیاه ها، وارطان ها، قزاقها و عسگرها پیوست، قافله ای که شقایق آزادی به قله تاریخ میرد.

سرخان یکی از اعضای «سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)» در مراسم تشییع جنازه رفیق شهید جهانگیر خادم محمدی

در مراسم که به مناسبت شهادت رفیق جهانگیر خادم محمدی برپا شد، برادر رفیق شهید، جعفر خادم محمدی، که عضو سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) است، درباره برادر شهید خود سخن گفت. او از جمله گفت:

«جهانگیر خواهان وحدت همه مردم علیه سرمایه داران بزرگ، آمریکا و دیگر هیستگانی بود. یاد می آید تصویری بر این آورد که در آن مردم متحدا پرچم آمریکا را آتش میزدند. در آن تصویر نبودند گروهی که تنها خود را در آتش زدند سیم بداندند در آن تصویر نبودند کسانی که به یکدیگر دشنام یا تهمت میدادند. در آن تصویر همه شادی میکردند و هیستگوه هنگر مرگ بر آمریکاییان میخواستیم.»

«جهانگیر شهید ما را بدینگونه میخواست»

«جهانگیر شهید ما را بدینگونه میخواست»

«جهانگیر شهید ما را بدینگونه میخواست»

# لبنان - قربانی توپخانه امپریالیسم

## وصه یونیسفم



بمخلبه قوای نظامی خود از این کشور شد.

### سلطه استعمار جدید در لبنان

احراز استقلال سیاسی به معنای کسب استقلال اقتصادی نبود. با اینکه پس از کسب استقلال سیاسی تعدادی از بانک‌ها و موسسات بزرگ متعلق به سرمایه‌داران ملی خود دولت توانست با پرداخت غرامت، گروهی از موسسات خارجی مهم را به متعلق خلق درآورد. لکن هنوز مالکیت بزرگ کشاورزی بر اقتصاد کشور حاکم بود. در تعدادی از مناطق قریب بی‌زمین‌های ۷۵٪ دهقانان کشور صاحب هیچ زمینی نبودند. انحصارات خارجی همچنان بر اقتصاد کشور مسلط بودند و نفوذ آمریکا و بافرازش بود. اتحاد سرمایه‌داران وابسته و ملاکین بزرگ، که توسط امپریالیسم جهانی، بسرگردگی آمریکا، پشتیبانی و تقویت می‌شد، کشور را این بار به شکلی جدید مستعمر خود تبدیل کرده بود. در سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) دولت لبنان، با امضاء عهدنامه‌ای با ایالات متحده آمریکا، به این کشور امکان داد، تا از طریق لبنان یک خط لوله نفت از خاک لبنان بگذراند. در سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۳۰ (۱۹۶۱-۱۹۵۱) در ادامه همین سیاست، دولت لبنان از طریق پذیرش "اصل ۴ ژوین"، از آمریکا کمک دریافت کرد.

اما مستکشان و محرومان لبنان، کم‌خواران استقلال را نه تنها در بعد سیاسی، بلکه در تمامی ابعاد اجتماعی و اقتصادی، نظامی و فرهنگی بودند. در مقابل این سیاست جدید به مقاومت پرداختند و دست به اعتراض زدند. زمین‌کنان با قاطعیت خواست خود را مبنی بر بهبود شرایط زندگی، اتحاد سیاست دمکراتیک در داخل کشور و سیاست خارجی ملی و استقلال طلبانه، اعلام کردند. در این موج اعتراضات زمین‌کنان، حزب کمونیست لبنان نقش فعال و چشمگیری داشت. بر اثر فعالیت این حزب و کوشش همسازانه "فدراسیون ملی اتحادیه‌های کارگران صنعتی و اداری لبنان"، که در سال ۱۳۲۲ (۱۹۴۳) تشکیل شده بود، در سال ۱۳۲۵ (۱۹۴۶) قانون ۸ ساعت کار روزانه اعلام شد.

دولت لبنان در اثر این مقاومت و اعتراضات مجانبه و تحت فشار جنبش خلق ساجار به رد پیشنهاد دولت امپریالیستی برای شرکت در پیمان‌های نظامی شد. این عقب‌نشینی‌ها در مقابل خواست خلق، نمتناها باعث تخفیف تضادهای اجتماعی شد. بلکه برعکس تشدید این تضادها را در پی داشت. به این شرایط، توپخانه‌های نیروهای مرتجع و کشورهای امپریالیستی و جنگ قدرت میان جناح‌های حاکم بر کشور رانیز باید افزود. مجموعه این شرایط، بود که باعث شد دولت‌های حاکم بر کشور، چهار سال شون، به‌طوریکه در عرض مدت ۳ سال (۱۳۲۲-۱۳۲۳) برابر با ۱۹۷۳-۱۹۴۳) بیش از ۴۰ کابینه در لبنان روی کار آمد.

### شرکت لبنان در جنگ اعراب و اسرائیل

در سال ۲۸-۱۳۲۷ (۱۹۴۸) لبنان در جنگ اعراب و اسرائیل شرکت کرد و به همراه دیگر کشورهای عربی، پیمان ترک‌مخاصه با اسرائیل را در ۳ فروردین ۱۳۲۸ (۲۳ مارس ۱۹۴۹)

در هفته‌های اخیر، لبنان بار دیگر صحنه دسیسه‌های گسترده و خونین امپریالیسم آمریکا، صهیونیست‌های اسرائیل و جدائی طلبان لبنانی دست نشانده آنها شده است. برای اطلاع خوانندگان گرامی "نامه مردم" از این شماره انتشار یک رشته مقالات را درباره "مسئله لبنان" و ریشه‌های تاریخی آن آغاز میکند.

### دو قرن سلطه استعماری در لبنان

نگاهی به تاریخ کشور لبنان نشان میدهد که این کشور، از زمان سالی کتوسیک که کمیسون بنو اللطی، با شرکت نمایندگان دول فرانسه، بریتانیا، اتریش، پروسی و روسیه، که قانون اساسی این کشور را تصویب کردند، به این نام شناخته شده است. یعنی از سال ۱۲۴۰ (۱۸۶۱) تا ۱۳۳۴ (۱۹۴۵) که توانست به استقلال سیاسی دست یابد، همواره در زیر سلطه استعمار فرانسه و بریتانیا قرار داشت. در واقع اگر بخواهیم دقیق‌تر به مسئله نگاه کنیم، باید به تاریخ سلطه دولت‌های استعماری بر این منطقه از سال ۱۸۹۵ (۱۵۱۶ میلادی) مورد بررسی قرار دهیم. در این سال لبنان تبدیل به مستعمره امپراتوری عثمانی شد. مبارزه مردم این کشور برای کسب استقلال از آدابای عثمانی‌ها، ۳۰ سال بطول انجامید. در طی این مبارزات مردم گاه به پیروزی‌های دست می‌یافتند. از جمله این پیروزی‌ها، اعطای خودمختاری نسبی از سوی دولت عثمانی بود که خود از تشدید مذاکلات دول بریتانیا و فرانسه در این کشور به محض اقتضا بود. این خودمختاری شامل تقسیم لبنان به دو ناحیه بود: یکی ناحیه دروزیه و دیگری ناحیه اعراب و ونیه ولی عزیزم چنین امتیازات کوچکی، مبارزه خلق لبنان علیه سلطه گران عثمانی، ادامه یافت. تشدید قیام‌های دمقانی در کشور باعث شد دولت عثمانی، که خود با بریتانیا و فرانسه که در گریز داشت، روز بروز بیشتر تضعیف شود. در واقع در سال ۱۳۲۲ (۱۸۶۱) دولت عثمانی مجبور به تخلیه قوای خود از این کشور شد. اما خروج قوای عثمانی از این کشور، پایان استیلا استعمارگران نبود. در واقع خروج دولت عثمانی از لبنان، به معنی انتقال سلطه خود به دول استعمارگر اروپایی غربی بود. از اوایل قرن بیستم لبنان توسط نیروهای فرانسوی و بریتانیایی اداره می‌شد. در سال ۱۳۹۹ (سپتامبر ۱۹۲۰) مقامات فرانسوی ایجاد دولت بزرگ لبنان را، که در سال ۱۳۵۰ (۱۹۳۱) تصویب قانون اساسی به جمهوری تبدیل شد، اعلام کردند.

### غیر قانونی شدن حزب کمونیست لبنان

در آغاز جنگ جهانی دوم با اعلام حکومت نظامی در لبنان، پارلمان این کشور منحل شد و حزب کمونیست لبنان نیز غیر قانونی اعلام گردید. با شکست فرانسه توسط آلمان هیتلری، لبنان تحت کنترل کمیسون متراکم جنگ ایتالیا و آلمان قرار گرفت. نیروهای فاشیست از خاک لبنان برای تدارک عملیات نظامی خود در خاور میانه استفاده می‌کردند. در این میان تحریم اقتصادی لبنان توسط بریتانیا اوضاع اقتصادی لبنان را وخیم‌تر کرد.

در تابستان ۱۳۲۰ (ژوئن ۱۹۴۱) نیروهای آزاد فرانسه بریتانیا وارد سوریه و لبنان شدند. ژنرال کاترو، فرمانده کل قوای نظامی فرانسه، در مقابل جنبش عظیم آزادیخواهان لبنان تسلیم نمود. در ۶ نوامبر ۱۹۴۱ (۱۹۴۱) استقلال این کشور بر رسمیت شناخته شد. اول آذر ۱۳۲۲ (۲۲ نوامبر ۱۹۴۳) روز استقلال لبنان، با تعطیل عمومی در لبنان توأم شد. پارلمان نیز قوانینی را، که به قیومت خارجی بر حاکمیت لبنان مربوط می‌شد و در قانون اساسی کشور گنجانده شده بود، ملغی اعلام کرد. اما امپریالیسم فرانسه خواست و، با بهت‌زاست گفته شود، نمی‌توانست استقلال لبنان را تحمل کند. در پایان جنگ دوم، سلطه‌جویان فرانسوی سعی کردند لبنان را استقلال نظامی کنند. این اقدام با اعمال فشار بر دولت لبنان برای بستن عهدنامه‌ای مبنی بر تعهد حفظ قیومت استراتژیک و اقتصادی فرانسه در این کشور توأم شد. دولت لبنان از بستن چنین عهدنامه‌ای امتناع کرد. جنبش مقاومت لبنان، همراه با اعتصابات عمومی، سراسر کشور را فرا گرفت. اتحاد شوروی نیز حمایت قاطعانه خود را از مبارزات مردم لبنان علیه قوای اشغالگر فرانسه اعلام کرد. در سال ۱۳۲۴ (۱۹۴۵) موافقت نامحضور قوای اشغالگر در خاک لبنان، که توسط بریتانیا و فرانسه امضاء شده بود، در شورای امنیت بررسی شد. در اثر حمایت اتحاد شوروی، لهستان و مصر (زمان ناصر) از استقلال لبنان، فرانسه مجبور

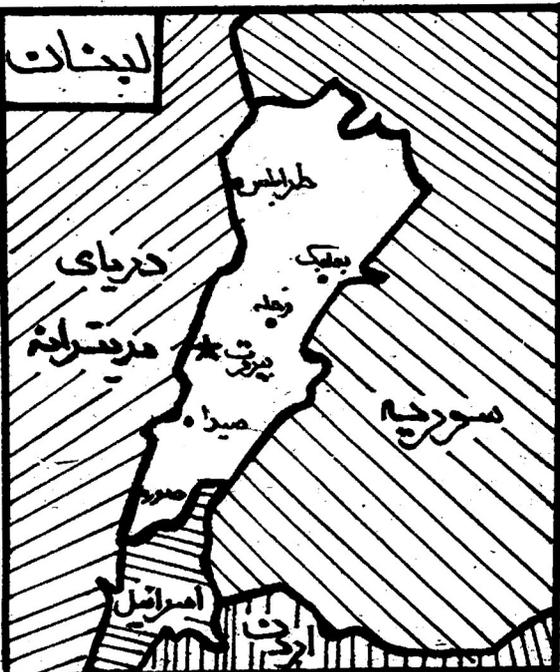
به دو ناحیه بود: یکی ناحیه دروزیه و دیگری ناحیه اعراب و ونیه ولی عزیزم چنین امتیازات کوچکی، مبارزه خلق لبنان علیه سلطه گران عثمانی، ادامه یافت. تشدید قیام‌های دمقانی در کشور باعث شد دولت عثمانی، که خود با بریتانیا و فرانسه که در گریز داشت، روز بروز بیشتر تضعیف شود. در واقع در سال ۱۳۲۲ (۱۸۶۱) دولت عثمانی مجبور به تخلیه قوای خود از این کشور شد. اما خروج قوای عثمانی از این کشور، پایان استیلا استعمارگران نبود. در واقع خروج دولت عثمانی از لبنان، به معنی انتقال سلطه خود به دول استعمارگر اروپایی غربی بود. از اوایل قرن بیستم لبنان توسط نیروهای فرانسوی و بریتانیایی اداره می‌شد. در سال ۱۳۹۹ (سپتامبر ۱۹۲۰) مقامات فرانسوی ایجاد دولت بزرگ لبنان را، که در سال ۱۳۵۰ (۱۹۳۱) تصویب قانون اساسی به جمهوری تبدیل شد، اعلام کردند.

### موج نوین مقاومت در برابر استعمارگران

مقاومت و مبارزه خلق لبنان برای کسب استقلال با تأثیرپذیری از انقلاب ۱۲۸۴-۱۲۸۴ (۱۹۰۵-۱۹۰۷) روسیه و انقلاب ۱۲۸۷ (۱۹۰۸) ترک‌های جوان، ترکیه، ایجاد گسترده‌تری یافت و در سال ۱۲۹۱ (۱۹۱۲) بر پایه اتحاد گروه‌های ملی "اتحاد اصلاحات پایه" گذاری شد. با گذشت زمان، پیروزی به مرکز جنبش راه‌نشین عرب تبدیل گشت. در سال ۱۳۰۳ (۱۹۲۴)، شورش دمقانی عظیمی در دره "بطاع" بوقوع پیوست. در همان سال کمونیست‌های لبنان و سوریه، "حزب کمونیست لبنان-سوریه" را پایه‌گذاری کردند. این همبستگی با حمایت ترغیبخواهان لبنان از مبارزات ضد امپریالیستی سال‌های ۱۳۰۶-۱۳۰۴ (۱۹۲۷-۱۹۲۵) سوریه، ایجاد بازم گسترده‌تری یافت.

### دانستنی‌هایی در باره لبنان

نام:	جمهوری لبنان
مساحت:	۱۰۶۰۰ کیلومتر مربع
جمعیت:	۳۳ میلیون نفر (۱۳۵۸)
ترکیب جمعیت:	۹۰٪ عرب (لبنانی و فلسطینی) ۱۰٪ از ملیت‌های گوناگون
احزاب سیاسی:	حزب کمونیست لبنان حزب سوسیالیست ترغیبخواه حزب اتحاد ملی حزب لبنانی فلائز (کتابی) اتحاد مشروطه طلب حزب لیبرال ملی چندین گروه نزدیک به حزب سوسیالیست به شعرایی و ناصریست حزب پروردگانی ناسیونالیست (ارمنه) (دانشکسیون)



طلبانه در داخل و خارج شد. در اردیبهشت ۱۳۲۷ (۱۹۵۸) اعتصابات عمومی سیاسی برپا شد. چندین روزنامه‌نگار لبنانی، "ن-مفتی"، که با مواضع دولت شمعون در نزدیک شدن با کشورهای امپریالیستی به مخالفت برخاسته بود، به قتل رسید. به دنبال این حادثه و همچنین قصد شمعون برای وارد کردن اصلاحاتی در قانون اساسی مبنی بر حفظ موقعیت خود، اعتصاب عمومی اوج تازه‌ای گرفت. این اعتصاب در شمال لبنان به قیام مسلحانه تبدیل شد. کامل شمعون از دولت آمریکا درخواست اعزام قوا به لبنان کرد. ولی دخالت آمریکا در سال ۱۳۲۷ (۱۹۵۸) نیز نتوانست رژیم شمعون را از موضع خنم خلق نجات دهد و او مجبور به استعفا شد.

۱۳۲۹ (۱۹۴۹) امضاء کرد. از جمله نتایج جنگ برای لبنان، ورود تعداد زیادی پناهنده فلسطینی به این کشور بود. ناراضی توده‌ها از سیاست‌های دولت حاکم، وضع نابسان اقتصادی و فساد دستگاه اداری باعث افزایش اعتراضات عمومی شد. جنبش خلقی - دمکراتیک تقویت و نیروی ایزد پیروان در مجلس این کشور علیه بشار الحوری رئیس انتخاب شد. سیاست نزدیکی به قدرت - ۱۳۳۱ (سپتامبر ۱۹۵۲) رئیس جمهور مجبور به استعفا شد و جای خود را به کامل شمعون داد. اما وی نیز برخلاف سدهای خود قبل از انتخاب، سیاست نزدیکی به قدرت - های امپریالیستی را در پیش گرفت و از سرمایه‌گذاری انحصارات امپریالیستی در کشور استقبال کرد. در همان حال دولت شهید کرامی در سال ۲۵-۱۳۳۲ (۵۶-۱۹۵۵) تعدادی از کمیته‌های خارجی را با پرداخت غرامت ملی کرد و قسمتی از خدمات شهری را تأمین نمود. او همچنین میزان عوارض لبنان برای حمل و نقل نفت عراق از طریق خاک این کشور افزود. اما علیرغم این اقدامات، مواضع ضد مردمی کامل شمعون پوشیده نماند. این موضع بخصوص در جریان تهاجم بریتانیا، فرانسه و اسرائیل علیه مصر (زمان ناصر) مشخص شد. در آن تاریخ خواست توده‌های لبنان برای کمک موثر مصر و قطع رابطه با کشورهایی که در تهاجم شرکت داشتند، برآورد شد. در اسفند ۱۳۳۵ (مارس ۱۹۵۷) دولت لبنان موافقت خود را با پیوستن به "دکترین آیزنهاور" اعلام کرد. مجموعه این تم‌گیری‌ها، چهار زمینه سیاست داخلی و وجه در زمینه سیاست خارجی موج اعتصابات عمومی را به دنبال داشت.

در سال ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) "جبهه متحد ملی" در کشور تشکیل و خواستار اعمال یک سیاست ملی و استقلال - طلبانه در داخل و خارج شد. در اردیبهشت ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) اعتصابات عمومی سیاسی برپا شد. چندین روزنامه‌نگار لبنانی، "ن-مفتی"، که با مواضع دولت شمعون در نزدیک شدن با کشورهای امپریالیستی به مخالفت برخاسته بود، به قتل رسید. به دنبال این حادثه و همچنین قصد شمعون برای وارد کردن اصلاحاتی در قانون اساسی مبنی بر حفظ موقعیت خود، اعتصاب عمومی اوج تازه‌ای گرفت. این اعتصاب در شمال لبنان به قیام مسلحانه تبدیل شد. کامل شمعون از دولت آمریکا درخواست اعزام قوا به لبنان کرد. ولی دخالت آمریکا در سال ۱۳۲۷ (۱۹۵۸) نیز نتوانست رژیم شمعون را از موضع خنم خلق نجات دهد و او مجبور به استعفا شد.

### دوره اسم راهپیمائی اول ماهه در مشهد



یازدهم اردیبهشت اسما، در مشهد راهپیمائی باشکوهی توسط کارگران و زحمتکشان و اقشار مختلف مردم، به مناسبت فرارسیدن اول ماه مه، برگزار گردید. یلاکاردهائی به امضاء شوراهای اسلامی کارخانه ها، شرکتها و مراکز تولیدی زبردیده مشهد: شرکت تیم، کارخانه سیم، نخ، رسی، شرکت ملی گاز خراسان و مازندران، قدس رضوی، راه آهن، بوسان، ایرفرش، سندیکای صنایع غذایی، سندیکای راه ساختمان، شرکت زرم، شرکت آجر، ماشین مهبسغ و چین چین، برق منطقه و ...



### کارگران کمیوت سازی های خراسان (مشهد):

## دوره تثبیت و تعمیق دستاوردهای انقلاب، برهبری امام خمینی به پیش!

- ۱- لغو ماده ۳۳ قانون کار ارضیه شوم رژیم مزدور و جنایتکار پهلوی.
- ۲- پرداخت حداقل دستمزد و مزایای قانونی از قبیل:
  - الف- ۴۴ ساعت کار در هفته (پرداخت ۳۵٪ اضافه دستمزد در صورت اضافه کاری).
  - ب- بیمه کارگران شاغل.
  - ج- استفاده از تعطیلات رسمی کارگری با حقوق.
  - د- تعلق گرفتن سایر مزایای قانونی (حق مسکن، خواربار، اولاد، بازنشستگی، پاداش، عیدی، حق بهره‌وری، برخصی سالانه، مرخصی دوران بارداری برای زنان).
  - ۳- تامین بهداشت و ایمنی در کارخانه.
  - ۴- جلوگیری از کارفران در زیر ۱۴ سال و کارگران خارجی.
  - ۵- طرح طبقه بندی مشاغل.

به مناسبت روز کارگر از سوی سندیکای کارگران صنایع غذایی خراسان اطلاعیه ای منتشر شد. در این اطلاعیه از جمله آمده است:

۱۱ اردیبهشت روز همبستگی کارگران جهان را در شرایطی برگزار می کنیم که شیطان بزرگ امپریالیسم آمریکا و وابستگان ضدانقلاب داخلی اش هر روز توطئه های جدید برای نابودی انقلاب و ما تدارک می بینند. ما کارگران، ضمن اعلام حمایت از دستاوردهای انقلاب و مبارزه در راه تثبیت و تعمیق انقلابیان برهبری امام خمینی این روز بزرگ را به همه کارگران و زحمتکشان تاداش می گوئیم. کارگران بحق از انقلاب امید دارند که اقدامات فاطمانه در جهت بهبود شرایط زندگی شان انجام گیرد. بر این اساس، ما کارگران کارخانجات کمیوت سازی مشهد، خواست های خود را نشر زیر اعلام می داریم:

## پاراه انداختن «کارخانه لوله سازی نو کار» مشکل کمبود آب بندر عباس را حل کنید!

در سال ۱۳۵۰ برای تامین آب بندر عباس، پروژه آب رسانی میناب- بندرعباس مورد بررسی قرار گرفت و تصمیم گرفته شد که سدی بر روی رودخانه میناب احداث شود، تا آب ذخیره شده، پس از مشروب کردن اراضی اطراف سد و میناب، جهت تامین آب بندرعباس به آن شهر انتقال یابد. برای انتقال آب مورد نیاز، که در شبانه روز بالغ بر ۸۶۰ متر مکعب میشود، بایستی از لوله های سه قطر تقریبی یک متر و بیست و پنج سانتی متر بطول تقریبی ۹۰ کیلومتر استفاده می شد. برای این منظور کارخانه لوله سازی بتونی که در سال ۳۹-۴۰ در تهران ایجاد شده بود و قبلا لوله های آب تهران، اصفهان، تبریز و کرج را ساخته بود، به بندرعباس انتقال داده شد. سپس پروژه آب رسانی میناب - بندر عباس به مناقصه گذارده شد و " شرکت نوکار" در این مناقصه برنده شد. قرار شد که شرکت نوکار عهده دار ساخت و نصب لوله های بتونی، به قطر یک متر و بیست و پنج سانتی متر، از میناب تا بندر عباس، از فرار هر متر حدود دوازده هزار ریال شود.

کارفرما (سازمان آب و برق هرمزگان) کارخانه را برای ساخت لوله های مورد نیاز در اختیار پیمانکار قرار داد. با این شرط که ۱۰٪ قیمت لوله بابت کارهای کارخانه و استهلاک آن، از قیمت ساخت لوله و نصب آن کسر و بکارفرما پرداخت شود.

کارخانه در اوائل سال ۱۳۵۳ در بندرعباس نصب و بهره برداری از آن آغاز شد. این کارخانه روزانه حدود ۱۲ تا ۱۵ لوله تولید می کرد و تا سال ۱۳۵۷ حدود شصت کیلومتر لوله مورد نیاز ساخته شد و حدود ده کیلومتر آن نیز نصب شد.

طی سالهای ۵۳ تا ۵۷ چندین بار پیمانکار تقاضای افزایش قیمت کرد و چندین بار هم کارخانه تعطیل شد، که با گرفتن وام دوباره بکار خود ادامه داد.

در جریان انقلاب کارخانه تعطیل شد و پس از یکسال مجدداً پیمانکار بنا به درخواست کارفرما کار خود را از سر گرفت. ولی چون عملاً پیشرفتی در کار حاصل نمی شد، از پیمانکار (شرکت نوکار) خلع ید و مجدداً کارخانه تعطیل شد. از دلایل عدم پیشرفت کار میتوان از عدم مدیریت صحیح کارفرما، پیمانکار و دستگاه نظارت نام برد. به خصوص که بررسی های دقیق و کافی در مورد مسیر لوله گذاری صورت نگرفته بود. این موضوع برپه در مورد لوله گذاری در قسمتی از مسیر، که لجنزار و باطلاتی است، آشکارایی فراهم کرده است. تاگه متعاند که قسمتی از کارگاه های کارخانه، چون شن و ماسه، ورق آهن، سیمان، بیخ سازی و غیره مشغول کار بودند. در ضمن از این کارخانه میتوان جهت ساختن برخی از قطعات پیش ساخته چون تیر بتونی برق، جدول سازی، مخزن سازی و غیره استفاده کرد. همچنین کارخانه برای ساختمان فاضل-

### جان دادن در کار

## دست نابکار سوانح همچنان پیکر کارگران را به قربانی میگیرد

هر تنها با کمک انجمن های صنفی و سندیکائی کارگران و زحمتکشان می توان انجام کیفیتی های کارفرمایان را مهار کرد.

کارگران است و این خود بی قانونی است و شایسته توجه، بهگیری و روشن ساختن علل و عوارض، بطوری که سمت حرکت بازرسان کار، مطابق برنامه جامع این کارگردار استخدام پیمانکار شرکت رادیاتور سازی ایران، وابسته به گروه صنعتی رنا بود. طبق قرارداد مسئولیت اتفاقات احتمالی و بیمه کارگران با پیمانکار بوده است.

گفتنی است که این حادثه تا سف- باروستان گذشته، که در نوع خود متأسفانه ناهستناست و نمک نظیر، در اثر بی- توجهی کارفرما به ضوابط روشن و صریح قانونی، بوقوع پیوسته است. ماده ۶۴ آیین نامه حفاظت و بهداشت عمومی در کارگاهها، کارفرما را موظف به تامین و آموزش و اسباب ایمنی نظیر کمر بند ایمنی و طناب نجات (می کند).

غلام العالی کارگر شیروانی کوب، روز پنجم فروردین ماه اسما، در اثر عدم استفاده از کمر بند ایمنی و طناب نجات حین کار از ارتفاع سقوط کرد و جان سپرد. این کارگردار استخدام پیمانکار شرکت رادیاتور سازی ایران، وابسته به گروه صنعتی رنا بود. طبق قرارداد مسئولیت اتفاقات احتمالی و بیمه کارگران با پیمانکار بوده است.

گفتنی است که این حادثه تا سف- باروستان گذشته، که در نوع خود متأسفانه ناهستناست و نمک نظیر، در اثر بی- توجهی کارفرما به ضوابط روشن و صریح قانونی، بوقوع پیوسته است. ماده ۶۴ آیین نامه حفاظت و بهداشت عمومی در کارگاهها، کارفرما را موظف به تامین و آموزش و اسباب ایمنی نظیر کمر بند ایمنی و طناب نجات (می کند).

در کارخانه مواد غذایی بارلسی (جاده مخصوص کرج)، کارگری بنام شی اللماهمانی، روز هجدهم فروردین اسما، در اثر حادثه ناشی از کار جان سپرد.

در محوطه کارخانه، دستگاه کمپرسوری، که فاقد سوپاپ اتوماتیک بود و مقررات مربوط به ساخت دستگاه های تحت فشار در آن رعایت نشده، در لحظه حادثه مخزن آن منفجر شد و در اثر برخورد صفحه جیدا شده کمپرسور با کارگر مذکور، دست راست او از ناحیه کتف قطع و ججمه او خرد شد و دردم فوت کرد.

علت بروز این حادثه، مقاومت کم مخزن در برابر فشارهای داخلی بوده و حتی سوپاپ اطمینان خودکار نیز ایمن نبوده است. به این جهت کارفرما از بابت خرید دستگاه نامطمئن و بیگسار انداختن آن، مستقیماً مسئول مرک کارگر است.

کارگر دیگری نیز در همین زمان (فروردین ۶۰) در کارگاه ساختمانی شرکت سوا (مهرآباد تهران)، در اثر اصابت یک صفحه (پلیت) فلزی، که از بالای ساختمان پرت شده بود، حین کار در طبقه ششم درگذشت.

قبلا هنگام اجرای تیر ریزی در ساختمان، مقداری صفحه فلزی بعد از اتمام کار آهنگری بالای تیر ریزی مانده و در لحظه حادثه، در اثر ضربه، به پائین پرتاب شده اند، که در نتیجه تیور (کارگر مذکور) بقتل می رسد.

تا اینجا تنها سخن از غفلت، سهل انگاری و بی توجهی به سلامت، ایمنی و جان کارگران است. مسلم بر سر جدی نگرفتن ایمنی کار در واحد های

آب بندرعباس دارای امکانات زیادی است.

در کارخانه لوله سازی حدود ۵۲ نفر کاری می کردند، که به شدت بدترین وضعی از طرف پیمانکار استشاری می شدند. در زمان حکومت رژیم سابق، کارگران کارخانه چندین بار بخاطر دست یابی به حقوق قانونی خود، از جمله اضافه دستمزد، داشتن بیخ و ... اعتراض و حتی اعتصاب کردند. آنها بکار بخاطر دریافت اضافه دستمزد به مدت یازده

روز دست از کار کشیدند. اغلب کارگران کارخانه اهل "ده نو" هستند که، پس از تعطیل شدن کارخانه، بیکار شده اند. بنا به توصیه کمیوت آب بندرعباس که مسئولیت زیادی برای اهالی شهر به وجود آورده است، به کار افتادن کارخانه لوله سازی می تواند از طرفی مشکل آب را در کمترین مدت حل کند و از سوی دیگر از سوی جلوه عناصر ضد انقلاب از این مسئله جلوگیری خواهد کرد.

بررسی ها نظر مدیریت را تأیید نکرد و کارگزاران شده توانست از وزارت کار حکم بازگشت بکار بگیرد. اما مدیریت از پذیرش این خودداری و رزید، این عمل باعث ناراحتی و نارضایتی کارگران شد و مسئول کارخانه با مشاهده این وضع، برای جلوگیری از ایجاد اشکال احتمالی در محصولاتی را فراهم آورد و جنبه تعطیل کرد.

بر مسئولین امر است که به مسئله فوق رسیدگی کنند، تا روشن شود که چه علت مدیریت کارخانه از پذیرفتن

کارگری که مقصر نبودن او، به اثبات رسیده و از طرف وزارت کار حکم بازگشت به کار دارد. سر باز می زند.

از طرف دیگر، این واقعه، نشان می دهد که چقدر کمبانی بازمی سازی قبلی می گوشت کارگران را تحریک کند، به تشنج دامن زدن و زمینه تعطیل واحد های تولیدی را فراهم آورد و جنبه تولید را تضعیف کند. جلوگیری از چنین خرابکاری هایی بیش از هر چیز عوام قریبی دشمنان انقلاب و منقرضین و چپ نماها را نیز خشنی خواهد کرد.

نزدیک به ۳ ماه پیش یکی از کارگران کارخانه شیمیکو فارما، که نماینده کارکنان در هیئت مدیره نیز بود، از کار اخراج شد. مدیریت کارخانه علت این اخراج را خراب شدن دستگاهی که تحت مسئولیت کارگر مذکور بود، ذکر کرد و مدعی شد که دستگاه کارگر اخراج شده عمدتاً کار انداخته و به شرکت زیان زدماست.

بعد از مدتی، کارشناسان متعددی به کارخانه آمدند و در مورد علت خرابی ماشین تحقیق کردند. نتیجه، این

نزدیک به ۳ ماه پیش یکی از کارگران کارخانه شیمیکو فارما، که نماینده کارکنان در هیئت مدیره نیز بود، از کار اخراج شد. مدیریت کارخانه علت این اخراج را خراب شدن دستگاهی که تحت مسئولیت کارگر مذکور بود، ذکر کرد و مدعی شد که دستگاه کارگر اخراج شده عمدتاً کار انداخته و به شرکت زیان زدماست.

بعد از مدتی، کارشناسان متعددی به کارخانه آمدند و در مورد علت خرابی ماشین تحقیق کردند. نتیجه، این

**کارگران «شیمیکو فارما» خواهان بازگشت نماینده خود به کارخانه هستند!**

**کشاندن کارگران به اعتصاب و تجمیع و درگیری، توطئه ضد انقلاب است**

# دهقانان زحمتکش امیدوارند که بزودی مسئله زمین حل شود

ویژه استان  
آذربایجان غربی



شرط ضروری و اولیه، حل مسئله زمین است.

## دهقانان روستای تیت:

### آمریکامیهن مارا چابید، حالا ما باید به میهن خدمت کنیم

مشکلات و خواستهای اهالی روستای تیت به علت سیاست ضد دهقانی رژیم سابق، بسیار است. روستای تیت از محل باراندوز چای، در ۶ کیلومتری امامزاده و ۱۶ کیلومتری ارومیه واقع است. جمعیت روستا ۱۳ خانوار (۳۰۰ نفر) است. اکثر اهالی به کار کشاورزی اشتغال دارند و در کنار آن به پرورش دام و طیور می پردازند. علاوه بر آن، عده ای از زحمتکشان روستا با خشکاندن آب دریاچه ارومیه، نمک حاصل از آن را برای فروش به شهر می برند.

در این روستا اکثر اهالی کم زمین هستند و در حدود ۲۰ خانوار هم بی زمین هستند. اهالی نیاز فراوانی به وام، بنر، مواد دفع آفات، کود شیمیایی و ماشین آلات کشاورزی دارند. این روستا فاقد آب لوله کشی، برق، درمانگاه و حمام است. در این روستا یک مدرسه و کلاس سبک دایر است و دانش آموزان کلاسهای بالاتر به روستای امامزاده می روند. در روستا فقط ۲ تراکتور برای کار کشاورزی وجود دارد.

مردم معتقدند که برای رفع همه مشکلات حاضرند با جهاد سازندگی و سایر نهادهای انقلابی، که به روستای

آن ها می آیند، همکاری کنند. اهالی روستای تیت آماده اند تا راهی جنبه ها شوند و علیه رژیم مدام خائن بیکار کنند.

یکی از دهقانان می گوید: من کلا ۱/۵ طناب باغ انگور و زمین دارم. ۱۸ سال است که دارم در این تیکه جون می کنم... هرچه داشتم گذاشتم بالای این زمین. الان من ۵۰ سال است که زحمت می کشم، با اینکه پیرم. عزیزم، آمریکا کشور آرا چابید و دهات مارا ویران کرد. حالا ما باید به میهن خدمت کنیم و قدر آقای خمینی را بدانیم.

اگر گره اصلی کار دهقانان، یعنی اجرای بند "ج" و بند "د" و گل تانوم اصلاحات ارضی هرچه زودتر باز شود، این وقت است که دهقانان زحمتکش می توانند برای بارور کردن هر چه بیشتر اقتصاد کشاورزی کشور و پایدار نگهداشتن انقلاب، از جان مایه بگذارند.

واضح است که دست خالی نمی شود زمین ها را کاشت و بارور کرد. باید کلیه امکانات تولید و معیشتی و وسایل کار و زندگی را در اختیار دهقانان گذاشت، تا سهم خود را به طور شایسته ادا کنند.

## به خواستهای روستائیان کوسه آباد رسیدگی کنید

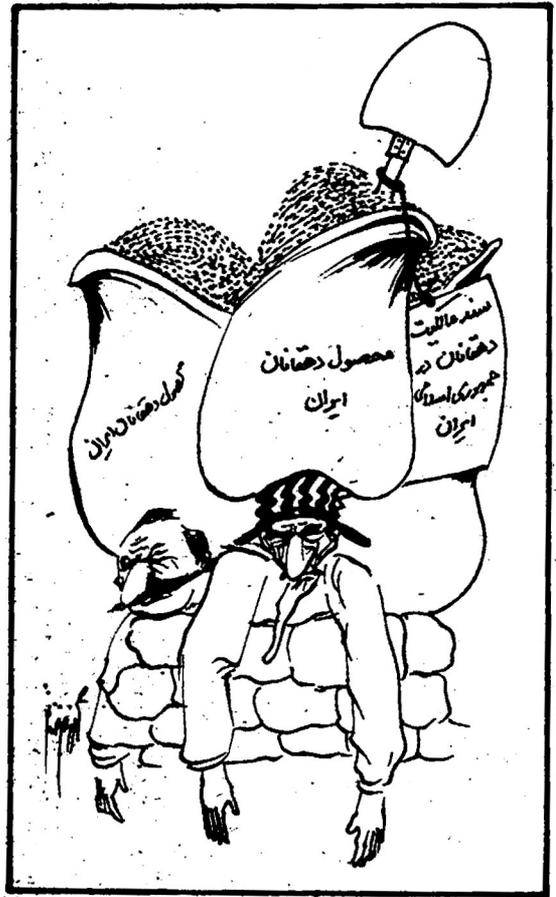
راهنمایی درست کند، چون ما مدرسه نداریم.

اهالی این روستا عضو شرکت تعاونی قوماغاج هستند. روستائیان کوسه باد نامهای به اداره کشاورزی برای دریافت روغن موتور و گازوئیل نوشته اند، که هنوز جوابی نشتندماند. مسئله سوخت و روغن موتور در بسیاری از دهات به یکی از حادترین مسائل بدل شده است. خوشبختانه تصمیماتی در این جهت گرفته شده.

ولی با در نظر گرفتن اهمیت مسئله و حیاتی بودن آن در بسیاری مناطق، لازم است که توجه دائمی و جدی به این مسئله مبذول داشت و برای آن راه حل های عملی و فوری اندیشید.

روستای کوسه باد یکی از روستاهای محل باراندوز چای، در ۱۸ کیلومتری شهرستان ارومیه قرار دارد. در این روستا حدود ۲۰ خانوار و جمعا ۲۰۰ نفر زندگی می کنند. اکثر دهقانان خرده مالکند و فقط ۶ خانوار دهقان بی زمین در این روستا وجود دارد. روستا فاقد برق، آب زراعی کافی، آب لوله کشی، حمام، بهداشت و دیگر نیازهای اولیه زندگی است.

یکی از روستائیان در زمینه مشکلات موجود می گفت: "چند ماه است که در ادارات سرگردان هستم، ولی نتوانستم کود و پروانه جاه بگیرم. مالز جهاد ارضی هستیم و راه مارا شن ریزی کرده است. از جهاد می خواهیم برای مایک مدرسه



## یک دهقان روستای عربلو بیکان:

### «ما همه اینها نارسایی ها و جنگی را تحمل می کنیم، که بعداً به درد ما بوسند»

عزت صدر، یکی از اهالی روستا، از جهاد سازندگی، شن ریزی جاده و کود شیمیایی است. آب آشامیدنی نیز یکی از نیازهای فوری اهالی است. هیچ نظامی بجایین روستاها آمده و بدعت نگهفتن روستائیان آموزش داده است. یکی از اهالی در باره مشکلات و مسائل کنونی و عواقب جنگ توضیح داد: "آقا، در انقلاب کمبود و نارسایی می شود. ما همه اینها را به این دلیل تحمل می کنیم که بعد از برطرف کردن این نارسایی ها، به درد ما برسند."

روستای عربلو بیکان با ۴۵ خانوار جمعیت (۴۰۰-۳۶۰ نفر) از توابع محال نازلو چای، در ۸ کیلومتری ارومیه قرار دارد. اکثر دهقانان روستا کم زمین و در حدود ۴ خانوار بی زمین هستند. یک اتاق برای درس خواندن دانش آموزان روستایی در نظر گرفته شده است و فقط تا کلاس چهارم تدریس می کنند. دانش آموزان برای ادامه تحصیل به ده عسکرو آباد، که در یک کیلومتری است، می روند. در این روستا شرکت تعاونی وجود ندارد و اهالی عضو شرکت تعاونی عسکرو آباد هستند. جهاد سازندگی هنوز به روستا نیامده است. درخواست

## بزرگ مالک زورگو اراضی دهقانان روستای تالون را از قبضه کرد و دهقانان را از روستا بیرون راند

زمیندار بزرگ روستای تالون، بعد از انقلاب زمین های دهقانان را گرفت و آن ها را از ده بیرون کرد. به طوری که از ۷۰ خانوار ساکن این روستا، فقط ۱۵ خانوار باقی ماندند.

این روستا از محال ترکور در شمال غربی ارومیه و در ۳۰ کیلومتری آن واقع است. جاده تالون به ارومیه توسط جهاد سازندگی ساخته شده است. دهقانان رانده شده از ده، فعلا در محله جمهوری لرداقی، که در حاشیه ارومیه قرار دارد، ساکن هستند. همه این افراد بیکارند و در وضع معیشتی بدی بسر می برند.

جای تعجب و تاسف اینجاست که ارباب این روستا توسط مسئولین منطقه، مسلح شده است تا جلوی ضد انقلاب را بگیرد! البته او نمتنها در این زمینه کاری انجام نداده، بلکه مثل دیگر مالکان بزرگ منطقه، علیه انقلاب مشغول فعالیت است. حتی چندین پیش

عدادی از عوامل قاسلو در روستای مذکور، میهن این شخص بودند. اهالی که از روستا بیرون رانده شده اند، معتقدند که دولت باید

زمین هایشان را از ارباب پس بگیرد و به آن ها بدهد. تا از جان و دل، با کار روی زمین، در خدمت انقلاب باشند. اهالی منتظرند که مقامات انتظامی هر چه سریع تر این مالک زورگو را دستگیر کنند و به سزای اعمال بی شرمانه اش برسانند.

برگرداندن زمین های دهقانان، که ارباب زورگو غصب کرده، یک عمل انقلابی است که باعث می شود دهقانان به خانه و کاشانه خود بازگردند و با خیال آسوده کشت کنند و حایمی بی تزلزل انقلاب کوشششان علیه کاسخ نشینان بایند. آن ها امید دارند که بهار اسال، همزمان با آغاز اصلاحات ارضی واقعی و پایان تسلط شوم بزرگ مالکان باشد.

بخش عمده ارتش بیست میلیونی را دهقانان زحمتکش تشکیل می دهند. دهقانان! فوراً به بسیج مستضعفین مراجعه کنید و دستورهای آنرا عملی سازید

### از گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین بلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران:

## نیروهای بینایی

### در جبهه مبارزه برای پایان دادن به تسلط امپریالیسم

در کنار ۳ اردوگاه عمده میدان نبرد کشور مانورهای بینابینی دیگری به صورت سازمان‌ها و گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی - اجتماعی وجود دارند که هویت دوگانه از خویش نشان می‌دهند: از یک طرف سیاست خود را در چهارچوب مواضع پیکس و آشتی‌ناپذیر ضد امپریالیستی اعلام می‌دارند و از طرف دیگر در عمل باجبهه نیروهای سازشکار و تسلیم طلب و حتی در مواردی با نیروهای براندازی هنگامی عملی دارند.

این نیروهای بینابینی که به طور مشخص در یکی از ۳ اردوگاه سیاسی بالا قرار نگرفته‌اند، عبارتند از: سازمان مجاهدین خلق، گروه اقلیت سازمان چریک‌های فدایی خلق و گروه‌های چپ‌گرای نظیرشان مانند راه کارگر. البته این گروه‌ها بینابینی در مواضع یگانه قرار ندارند، و در عین نزدیکی نسبی با یکدیگر، به ویژه در عملکرد سیاسی اختلافات جدی با یکدیگر دارند.

این نیروها به طور عمده در توافقی ضد امپریالیستی و ضد استبدادی هواداری از خواست‌های خلق‌جای گرفته‌اند، ولی در عمل در ارزیابی دقیق لحظه‌چار چپ‌روی جدی شده و در پیسند این موضع گیری چپ‌روانه که آنها را به اقداماتی در جهت تضعیف و براندازی حاکمیت کنونی، یعنی اکثریت مجلس و دولت کشانده‌است، عملاً با لبرال‌ها و نیروهای خواهان براندازی جمهوری اسلامی در یک جبهه قرار گرفته‌اند.

تحلیلی که این نیروها برای موضع گیری خود ارائه می‌دهند بر این پایه است که گویا خطر عمده برای سرنوشت انقلاب ایران، حاکمیت کنونی است و نه امپریالیسم در درجه اول و نه سرمایه - داری لبرال به عنوان جاده صاف کن بازگشت آن. آنها این طور بیان می‌کنند که گویا با گذر از حاکمیت کنونی از قدرت حاکمه (اکثریت مجلس و دولت کنونی) مهم ترین سدی که در سر راه گسترش و اعتدالی انقلاب وجود دارد، شکست خواهد شد و در نتیجه قدرت حاکمه به دست "نیروهای رادیکال انقلابی" (منظور خود آنهاست) خواهد افتاد.

همانطور که می‌دانیم تجربه بسیاری از انقلاب‌ها و در دوران نزدیک، تجربه انقلاب ایران، به بارزترین شکلی نشان داده که پیغام‌های دردناکی ممکن است از این گونه ارزیابی‌های خیال پرستانه و مسابراجویانه برای سرنوشت انقلاب به‌بار آید. البته باید اضافه کنیم که مسئولیت سنگینی در این زمینه متوجه نیروهای راست افراطی انحصار طلب است که با اقدامات ضد -

آزادی خود موجب تشدید نفاق و چندی دستکی در میان نیروهای راستین هوادار انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی میهن ما شده‌اند.

ارزیابی حزب ما از این جریانات، هنوز بر این پایه است که این نیروها دچار چپ‌روی و خیال پرستی در ارزیابی واقعیات هستند، تا هنگامی که این ارزیابی قوت خود را حفظ کند، تلاش ما در این جهت خواهد بود که این نیروهای سالم را که جای‌شان در جبهه متحد خلق است، از این گمراهی خارج سازیم.

همانطور که می‌دانیم در درون سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران هم که تا چندی قبل نظیر چنین ارزیابی‌هایی وجود داشت، تحول جدی در جهت شناخت علمی و منطبق با واقعیات بوجود آمد و اکثریت این سازمان بر اشتباهات گذشته خود چیره شد. ما امیدواریم که تحولات و تجربیات آینده جنبش ما به نیروهای جوان دیگری هم، که هنوز در این گونه مواضع نادرست هستند، کمک کند.

در این ارتباط باید موضع گیری گروهی از شخصیت‌های سیاسی و به ویژه نمایندگان مجلس را مورد بررسی قرار دهیم که علی‌رغم اینکه در مجموع سمت گیری‌های سیاسی خود را خط امام خمینی هواداری می‌کنند و در مواضع ضد امپریالیستی و مردمی قرار دارند، مداخله در برخورد با حاکمیت کنونی جمهوری اسلامی در بسیاری از موارد در کنار لبرال‌ها قرار می‌گیرند، در عین این که در عمده ترین مسائل مربوط به سرنوشت جنبش، مانند موضع گیری در برابر امپریالیسم ضرورت دگرگونی‌های بنیادی به سود محرومان، بطور مشخص در مقابل لبرال‌ها قرار دارند.

به نظر ما مسئولیت پیدایش این پدیده به طور عمده عهده انحصار طلبان در طبقه هوادار حاکمیت کنونی است. سیاست این قشر که حاضر نیست هیچ گونه مخالفتی را با موضع گیری سیاسی اجتماعی خود، حتی برای همکاری در یک جبهه، تحمل کند، در راندن بسیاری از افراد که به تنگنظر متقلوب ارزیابی مستقل معتقد هستند، بسیار موثر است. بدون تردید این انحصار طلبی‌ها یکی از مهم ترین سدهای خطرناک در برابر مهم ترین ضرورت مبرم انقلاب، یعنی اتحاد همه نیروهای است که هوادار تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب در سمت گیری‌های ضد امپریالیستی هستند. تجاوزات آشکاری که از طرف گروه‌های فشار به حقوق دمکراتیک مندرج در قانون اساسی وارد آمده، در تشدید این پدیده تاثیر بسیار جدی داشته‌است.

## بلیه‌ای بنام «خواست اندیشی»

واقعیات چنان نیست که ما میخواهیم، چنان است که خود و مستقل از میل ما وجود دارد و تحول مییابد، ما باید بگوئیم تا این واقعیت را از راه پژوهش بی‌غرضانه دریابیم.

این تحقیق می‌تواند شما را به نتیجه‌ای برساند که ابتدا و اصلاً با میل، امید و انتظار شما تطبیق نکند. می‌توان از زبان قرآن (که در حق خداوند آورده) گفت: "و تعالی عما یفون". واقعیت بالاتر است از آن چه گمان و آن وصف می‌کنند. محتوی فکر ما تنها واقعت زمانی حقیقت است که این واقعت خارج از ذهن را - صرف نظر از میل ما و هدف ما - هر چه بیشتر و هر چه دقیق‌تر نمکس کند.

بلیه "خواست اندیشی"، یعنی در واقع شعار هگلی "اگر واقعیت مخالف فلسفه من است، پس خاک بر سر واقعیت". این بلیه فکری در کشور ما بسیار پر روم است. مثلا:

فلان لبرال دلش می‌خواهد حزب توده ایران انبانی از جنایات و خطاها باشد. وقتی شما به او ثابت می‌کنید که این تصورات شما باطل است، دعوی شما با اسناد و مدارک تاریخی نمی‌خواند و با واقعیت تطبیق نمی‌کند، به جای آن که عبرت گیرد و اندیشه نادرست خود را عوض کند، عصبانی می‌شود و بدوی بر راه می‌گیرد.

فلان قشری دلش می‌خواهد مارکسیسم انبانی از دعاوی بی‌معی و ضد علمی و تجربیات دل به‌خواه باشد. وقتی شما با ارباب تمام نشان می‌دهید که چنین چیزی نیست و مارکسیسم نتیجه‌گیری از معرفت علمی و اجتماعی و پراکتیک انسانی است و با تحول و تکامل آن، تحول و تکامل می‌یابد، نارضاحت می‌شود، دست به سفسطه و واژگون‌سازی الفاظ و احکام می‌زند.

فلان ضد انقلابی دلش می‌خواهد انقلاب ایران را در "استبداد خونخوار" خلاصه کند، نقش رهاگر و ضد - امپریالیستی و مردمی آن را در همه گسترها نفی کند، مشکلات انقلاب را (که به طور عمده خود و اربابانشان پدید آورده‌اند) نادیده بگیرد و دست‌آورد های مهم انقلاب را مسکوت بگذارد. وقتی به او نشان می‌دهید که درست است که در انقلاب مارکس‌دین مبارز اسلامی نقش مهمی داشته‌است، ولی این انقلاب دارای خصم است و استقلال طلبانه و مردمی است و اتحاد جنبشی امپریالیسم و دربار و فئودال و سرمایه‌دار را در هم ریخته و زمین‌ها را برای رهایی کلی جامعه مافراهم کرده است، "جغ و ویش" تزی می‌آید و برت و بلا می‌گوید.

حقا و واقعیت به چهار مان طور است و باید آن طور باشد که ایشان می‌خواهند!

ولی واقعیت "عالی عما یفون" - بالاتر از برتر است. از وصف من روشنا باید غرض راز پنهان است، تفکر و تحقیق علمی را به کار انداختن و از این واقعیت دور خواندن و حرکتی که در آن ماهیت‌ها گاه با ظاهر گوناگون بروز می‌کنند، برده برافکنند.

بزه‌مند واقعت باید دلی و ورسته از اغراض و مغزی ناپهات از توفیق حقیقت و بخردی جوینده داشته باشد.

مقول سدهی شریین سخن ما: حقیقت، سربای است آراسته هو و هوس، گرد برخاسته نهنی به جایی که بر خاست گرد نهنید نظر، کر چه بیست است مرد.

بررسی اسلوبی بسیاری از جملات که در محافل گوناگون جامعه ما از نظر امور تجریدی و کلی، یا امور مشخص اجتماعی می‌شود، یک سلسله عجایب را آشکار می‌سازد، که از آن جمله بلیه‌ایست به نام "خواست اندیشی" (Wishful Thinking).

"خواست اندیشی" یعنی چه؟ "خواست اندیشی" یعنی آن که شما تمام آن فاکت‌ها و داده‌هایی از زندگی و واقعت خارجی را برگزینید که تمایل شما را اثبات می‌کند و آن فاکت‌ها و داده‌هایی را که تمایل شما را رد می‌کند، با در آن شک وارد می‌سازد، از پیش مسکوت بگذارد، یا اگر هم نتوانید آن‌ها را مسکوت بگذارید، شروع کنید به مسخ آن‌ها موافق میل خود.

واقعت‌ها، به ویژه واقعت‌های اجتماعی و تاریخی، دارای سه خاصیت هستند:

الف) ذوقیاب هستند، یعنی جنبه‌های مختلف دارند.

ب) متحرک هستند، یعنی همک حال و به یک سان نمی‌مانند و تغییر می‌کنند.

ج) از پدیده و ماهیت مرکبند، یعنی باطوری دارند و باطنی، صورتی دارند و سرتی. گاه آن ظاهر صورت با آن باطن سیرت نمی‌خواند، و اصل هم باطن است نه ظاهر، سیرت است نه صورت، ماهیت است نه پدیده.

لذا درک واقعت به پژوهش و تحقیق نیازمند است، تا شما همه جوانب مطلب را بدانید و ببینید، تا شما تحولات و تغییراتی را که کل زمان در موضوع رخ داده و می‌دهد (یعنی تاریخ حادثه) بیناسید، تا شما تشخیص دهید که: ماهیت مطلب چیست و با آن چه که در ظاهر دیده می‌شود، در واقع همانست، یا آن که ظاهر امر برده‌ایست بر باطن.

## لبنان قربانی توطئه...

بقیه از صفحه ۳

رشد بیشتر جنبش خلق در کشور به حزب کمونیست لبنان و بقیه احزاب سیاسی، که غیرقانونی اعلام شده‌اند، اجازه فعالیت قانونی داد.

در سال ۱۳۴۹ (اوت ۱۹۷۰) مجلس سلیمان فونجیه راه ریاست جمهوری انتخاب کرد. در این سال همچنین هاشم سلام نخست وزیر کشور شد. دولت جدید قصد خود را برای دنبال کردن یک بیطرفی مثبت اعلام کرد و در اول دادگاه اقتصادی را تقویت کرد و در سطح زندگی مردم زحمتکش را بالا برد. اما این دولت نیز به علت ترکیب طبقاتی اش نتوانست در انجام برنامه‌هایش موفق باشد و در این جهت و کموش‌هایش برای تقویت حقوق و آزادی‌های دمکراتیک، سبب نارضایتی عمومی شد. این نارضایتی، اعتراضات و تظاهرات وسیع در اواخر سال ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) و ۱۳۵۲ (۱۹۷۳) را پدیدار داشت.

از سوی دیگر ارتش لبنان، علیرغم ادعای دولت، به علت فشارهای دولت اسرائیل برای جلوگیری از حمایت این دولت از جنبش مقاومت فلسطین عملاً نتوانست از جنبش فلسطین پشتیبانی نمی‌کرد، بلکه مخالفت‌هایی نیز نشان می‌داد. عملیات نظامی ارتش لبنان علیه اردوگاه‌های پناهندگان فلسطینی در لبنان خشم و تنفر دنیای عرب و توده‌های وسیع مردم لبنان را پدیدار داشت. در اثر همین اعتراضات توده‌ای دولت هاشم سلام در فروردین ۱۳۵۲ (آوریل ۱۹۷۳) مجبور به استعفا شد. دولت‌های بعدی نیز نتوانستند بر بحران عظیم سیاسی لبنان فائق آیند.

## قانونی شدن حزب کمونیست لبنان

در آذر ۱۳۴۸ (۲۵ نوامبر ۱۹۶۹) رشید کرامی دولتی تشکیل داد که شامل گروه‌های اصلی بوزاری لبنان می‌شد. این دولت در سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) با

## تلفات جنگ‌های داخلی

در اثر جنگ‌های داخلی سال ۱۳۵۴-۱۳۵۵ (۱۹۷۶-۱۹۷۵) حدود یک چهارم توانایی صنعتی کشور از بین رفت، ۴۰ تا ۵۰ درصد نیروی کار متخصص به کشورهای دیگر، از جمله عربستان مهاجرت کردند و بندرگاه و مرکز شهر بیروت از بین رفت. خرابی‌های ناشی از جنگ در جنوب لبنان از شمار بیرون است. تا بحال بر اثر این جنگ‌ها، چند ده هزار نفر کشته شده‌اند و بسیاری مجروح و معلول بجا مانده‌اند.

مطالبات "سندیگای سواری کارگری لبنان" (G.G.T.L) نشان می‌دهد که هزینه زندگی در این کشور از شروع "جنگ خانگی" تاکنون ۶۰ درصد افزایش یافته‌است. افزایش قیمت نیازمندی‌های عمومی بیش از ۸۰ درصد بوده‌است.

ادامه دارد

# برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق!



کمک مالی به حزب سوسیالیست! یک وظیفه انقلابی است!

چند روز است که حزب پدش ۱۰۰ ریال دکتر حسین از کلن (آلمان غربی) ۵۰ مارک مانوئل آل. به حزب پدش (آلمان غربی) ۲۵۰ مارک هواداران حزب در بی...

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام آقای کوشن ریسه شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فلسفی بپردازند.

نگذارید خطر...

باید مکتب نیروهای مداخله جوی آمریکا در منطقه باشد، گرایش شدید آمریکا به کنترل تمام «منطق حریص منافع حیاتی» اوه که «شامل خزانه نظامی منطقه» در شمال آست. همه و همه بیابانگر آن خطر واقعی است که از سوی امپریالیسم، سرکردگی آمریکا انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را مورد تهدید قرار داده است.

متأسفانه در این میان، برخی افراد گروهها و روزنامه ها، آگاهانه یا ناآگاهانه، یا گفته نوشته خود چنان خاک در چشم مردم می ریزند که خطر اصلی دشمن عمده انظرها پوشیده می ماند و آنچنان مردم را با مسائل جزئی، فرعی، غیرعمده، دروغ و تفرقه ریزنده آرسوی امپریالیسم خیری سرگرم میکنند که دشمن اصلی که به گفته مکرر امام خمینی، امپریالیسم آمریکاست، از نظر مردم پدید می شود و مسائل حاشیه ای فکر و ذهن آنان را مشغول می دارد.

در جلسه علنی روز پنجشنبه مجلس شورای اسلامی:

آمریکا، اروپا، ژاپن و ضد انقلاب داخلی برای برگرداندن دوران «پهلوی» تلاش می کنند

اگر با مسئله سرمایه داری، بویژه شکل تجاری آن برخورد قاطع نشود، انقلاب به بن بست کشیده می شود. اندک گردانندگان سرمایه داری و گروهی از بزرگان تجاری به اندازه نصف عملکرد چند ساله دولت پهلوی، در مدت یک سال، می توانند به دست آورند. هر چه در این زمینه تلاش شود، سرمایه داری تجاری را بازگشت خواهد داد.

سرمایه داری صنعتی و گروه بزرگ تجاری یعنی بازار به اندازه نصف عملکرد چند ساله بودجه سود برده اند. نماینده رشت سپس هشدار داد که اگر «برخورد قاطع» یا «سرمایه داری» خصوصاً در شکل تجاری آن، نشود، انقلاب اسلامی به بن بست کشیده خواهد شد.

نمیرال کیست؟

نمیرال کیست؟ نماینده دیگری از سخنانش گفت: «لیبرال فقط آنها نیستند که بطور آگاهانه راه سرمایه داری وابسته را هموار کنند یا فقط آنان نیستند که روحیه سازشکاری بر آنها سایه افکنده باشد. لیبرال آنهایی هستند که از سرمایه داری بزرگ وابسته خصوصاً بخش عمده ای از بازاریان کونی، نه آن خرده های سرگندز حمایت می کنند. لیبرال آنهایی هستند که برایشان سرفروشی کند در برابر بازار موضع بگیرند و اظهار نظر هاشان در پهلوسه، لیبرالها آنهایی هستند که وقتی صحبت از ملی کردن تجارت خارجی می شود موی پر بدنتان سخی می شود و تلاش می کنند که ملی کردن را در حد نظارت دولت خلاصه کنند».

رضائی افزود: «لیبرالها آنهایی هستند که برای حفظ منافع بازار تلاش می کنند که بازاریان بیچاره را با ترفند متعاشر کسبای تعاونی اسلامی بازار تشکیل دهند تا هراز مزیای تعاونی برخوردار شوند و هم بخش عمده ای از قانون اساسی که دستاورد خون شهیدان است، لوث شود».

رضائی در پایان، خطاب به رئیس جمهور، رئیس دیوان عالی کشور، نخست وزیر، رئیس مجلس و نمایندگان گفت: «در پیشتر هر گدایان مردمی هستند مرکب از مستضعف تا پولداران کلان، روشن حرف بزنید تا یکی از دو دسته از شما ناپدید شوند... تا چهره های راستی روشن شود».

پس از سخنان پیش از دستور، رئیس مجلس تذکرات چندین از نمایندگان را به اطلاع نمایندگان رساند. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی از جمله گفت:

«دکسیون دفاع با امنی آقای حقانی تذکر می دهند که با اعزام دو نماینده (آقایان بیخوری و بشارتی) که میرای تحقیق فرستاده اند، اطلاعاتی بدست آورده اند که مزبور صحتی در سازمان صنایع دفاع ملی جاری است که اینها انگیز و تکرار کننده است و تذکر می دهند که وزیر محترم دفاع توجه داشته باشند که میا در این صنایع حساس جریانات غیر رسمی پیش بیاید. در این جا تقاضای گروهی از نمایندگان، از جمله حجت الاسلام موسوی خوئی نرها، رضائی، محمد محمدی، رضا اصفهانی، حجت الاسلام خلیفائی، معسر راهی، مصطفی...

تجارتی و چندتن دیگر برای قید یکتا فوریت در لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی مطرح شد. در اینجا حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، در مقام مخالفت با قید یک فوریت سخن گفت و ضمن اشاره به اهمیت این لایحه که «لیتار کشور است» و «از دستاوردهای انقلاب است» تأکید کرد که این لایحه به دلیل اهمیت آن نباید با عجله مطرح شود زیرا نتیجه مطلوب نخواهد داد. وی سپس گفت:

طبق قانونی که در سال ۱۳۶۰ گذشته است، دولت ایران می تواند تجارت خارجی را ملی کند. یعنی اگر همین قانون هم نماند، دولت طبق آن قانون می تواند شروع به کار کند. همین طور که الان در مورد آن، تهاوی خیلی چیزها اینکار را می کند. این ها کاملاً قانونی است.

آنکه حجت الاسلام مجید انصاری نماینده زنده کرمان، در مقام موافقت با قید یکتا فوریت لایحه دولتی کردن تجارت خارجی، از جمله چنین گفت:

در ارتباط با وضع آشفته بازار و سودجویی های عناصری که جز خون آشامی و چپاول مردم و ملت مستضعف کاری ندارند، روز بروز انقلاب پایگاه مردمی خود را از دست می دهد. ما اگر در میان توده های مردم میان بازار قدم بگذاریم، این مسئله موضوع و آشکار بر ما روشن خواهد شد.

دکسال از عمر مجلس شورای اسلامی گذشته است. اگر قریباً نیمی از این طرح حدود ۶ ماه در کمیسیون مطرح باشد و بعد هم مدتی در نوبت طرح در مجلس قرار گیرد، فکر کنم ضرورتی نیست بر اقتصاد کشور وارد خواهد شد. بخصوص که ما باید در سال ۶۰ و ۶۱ از این به بعد روی بازار و مالیات، برای تدوین بودجه حساب کنیم. و این کسر عظیم بودجه را نه از راه فروش نفت، که از راه درآمد های مالیاتی و غیره تأمین کنیم».

یونگم رای گیری در مورد این پیشنهاد بدلیل خروج چندین از نمایندگان، مجلس از اکثریت افتاد. مجید انصاری ضمن اعتراض شدید به این مساله، از رئیس مجلس خواست که مقررات تشیی مطرحه در آئین نامه در مورد این نمایندگان را با قاطعیت اجرا کند.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در پاسخ از جمله گفت: «متأسفانه وزارت کشور در زمینه انجام انتخابات میان دوره ای کوتاهی می کند. روزهای نخست می گذشت شورای نگهبان تشکیل نشده، بعد گذشته لایحه می دهد. آنکه عنوان کردند که رئیس جمهور (لایحه مصوب را) ابلاغ نمی کند. حال آنکه رئیس جمهور هم در تاریخ ۶ اردیبهشت ابلاغ کرده است. تا چار من از همین جا اعلام میکنم که ملت شریف ایران بدانند که وزارت کشور دارد منافع کشور را بخاطر این انداز، زیرا مجلس با این تعداد قلیل نمی تواند کارهای خود را انجام دهد».

پس از تشکیل مجدد مجلس، درباره این پیشنهاد رای گیری بعمل آمد و تصویب نشد. سپس مجلس وارد دستور شد و پیشنهاد های نمایندگان درباره مواد لایحه حذف فرمان همایونی، مورد بحث و بررسی قرار گرفت و چند پیشنهاد تصویب شد. بدلیل پایان وقت مجلس، ادامه بحث در بازه این لایحه به جلسه آینده موکول شد.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود!

اگر امپریالیسم آمریکا نتواند «دولت معتدل و میانه رو» مطلوب و رنگار را بر سر کار آورد، آنگاه توطئه های دیگر، که تجاوز مستقیم نظامی در آن جای ویژه دارد، مرحله عمل در خواهد آمد. کسانی که چشم بر این شبهه جلیت ترپ و تاب سازمانهای جاسوسی و دسیسه های امپریالیستی بسته اند، نخواهند دانست.

چنان منظره ای میسازند که گوش هیچ خطری از جانب امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پهلوی در میان نیست. انقلابی ما را تهدید میکنند. همانطور که امام خمینی به تکرار هشدار داده اند، خطر اصلی و دشمن عمده انقلاب، امپریالیسم آمریکاست. و به گفته قیامه العابدی آیت الله منتظری «هنگام روزی که مرگ بر آمریکا فراموش کنیم» انقلاب ایران امروز بیش از هر زمان آماج توطئه های آمریکاست، زیرا امپریالیسم آسیاب کار را از تمامی جهات فراهم آورده است.

قراوان میگویند و می نویسند، در حالیکه مطالب فرعی را بزرگ می کنند و گاه بطرز تحریک آمیز بزرگ می کنند، ولی درباره خطراتی که آرسوی امپریالیسم جهانی - سرکردگی آمریکای متوجه هستی مردم و موجودیت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، یا چیزی نمی گویند و نمی نویسند، یا یکی در حاشیه از آن سخن میگویند. اینها تسداریک عظیم امپریالیسم آمریکاست و دست نشانده گانش را در منطقه، علیه تمام کشورهای مستقل، همه قوا و جنبش های انقلابی و قبل از همه ویش از همه، علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نمکس نمی کنند و همگان را به حیثیاری و اتحاد برای مقابله با این خطر عظیم فرا نمی خوانند؛ اینها توطئه های ضد انقلاب سازمان یافته و ساواکیها و تمام بازمانده گان رژیم آریامهری و عاال امپریالیسم را قاشتی - کنند و تمام خلق را برای مقابله با این دشمنان سوگند خورده انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بسج نمی کنند؛ ولی غشرد در اختلافات، غرق در مسائل فرعی، جنبش های انقلابی و قبل از همه ویش از همه، علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نمکس نمی کنند و همگان را به حیثیاری و اتحاد برای مقابله با این خطر عظیم فرا نمی خوانند؛ اینها توطئه های ضد انقلاب سازمان یافته و ساواکیها و تمام بازمانده گان رژیم آریامهری و عاال امپریالیسم را قاشتی - کنند و تمام خلق را برای مقابله با این دشمنان سوگند خورده انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بسج نمی کنند؛ ولی غشرد در اختلافات، غرق در مسائل فرعی،

# شاتاژ ادامه دارد

شاتاژ پرجسب «کمونیستی» و «توده‌ای» زدن به هر عملی که سود مستمندان، سود زحمتکشان، سود روستایان، همچنان ادامه دارد، هم از سوی ضدانقلاب پنهان و آشکار و هم از سوی مستخوفان سرمایه‌داری لبرال ایران. اینان علناً نمیتوانند بگویند که طرفدار فوئاد و بزرگ مالکند و مخالف با اصلاحات ارضی سود دهقانان زحمتکش؛ اینان رسماً نمیتوانند اعلام دارند که طرفدار کلان سرمایه‌داران «بازار» و مخالف با ملی شدن بازارگانی خارجی هستند، طرفدار استثمار بی قید و شرط و مخالف توزیع عادلانه ثروت‌اند، طرفدار امتیاز طبقاتی در آموزش و مخالفت با آموزش فرزندان زحمتکشانند، طرفدار تبلیغ در رسانه‌های گروهی سود مستکبران و مخالف با تبلیغ سود مستمندان... میگویند اصلاحات ارضی و اجرای بندهای «چه رده» «کمونیستی» است، ملی کردن بازارگانی خارجی «کمونیستی» است، توسعه شبکه تعاونی تولیدی و مصرفی «کمونیستی» است، توزیع عادلانه کالا بصورت جبرمندی «کمونیستی» است، آموزش و پرورش همگانی و مجانی «کمونیستی» است، رسانه‌های گروهی «کمونیستی» شده‌اند... و همین اقدامات، هر اقدامی که در جهت مبارزات مستکبران بزرگ مالک و کلان سرمایه‌دار باشد، هر تصمیم و یا اقدامی که در جهت بهبود زندگی زحمتکشان قارت شده و

مستمدیده اتخاذ شود یا انجام گیرد، به ادهای اینان «کمونیستی» است، حاصل کار «توده‌ای» است که «الته ایدئولوژی» می‌کنند و هم‌جا نفوذ کرده‌اند!

هدف عمده این شاتاژ دیگر معلوم شده‌است. هدف عمده آن ادا کردن مسلمانان مبارز انقلابی، که در حاکمیت هستند، به خودداری از حرکت بسوی اهداف خلقی انقلاب، ترمز کردن نوسازی اجتماعی - اقتصادی کشور، سود زحمتکشان و محرومان جامعه‌است.

هدف ضمنی این شاتاژ نیز تا حدود زیادی دیگر آشکار شده است. هدف ضمنی آن ادا کردن مسلمانان مبارز انقلابی به تیره‌جویی خود از اتهام، از طریق پرخاش و بدگویی به «توده‌ای» و «توده‌ای» و بدین وسیله ایجاد شکاف و اختلاف و خصومت بین نیروهای مسلمان انقلابی و نیروان سوسیالیست علمی و در نتیجه، تضعیف مجموعه نیروهای است که خواستار تثبیت و تحکیم و سادقانه مبارزه میکنند.

هدف عمده این شاتاژ دیگر بر ملا شده است. آشکار شده است که پرجسب «کمونیستی» و «توده‌ای» و «توده‌ای» برای تخطئه هر تصمیم و هر اقدام انقلابی، وسیله‌ایست برای سد راه حرکت انقلابی، متوقف کردن آن و واپس راندن آن. تقابلاً

فروتنانه و فرومی‌انند و دیگر دشوار است و هر روز دشوارتر میشود که بتوان مخالفت با انقلاب و اهداف مردمی آنرا زیر پرده «شاتاژ» و «توده‌ای» و «کمونیستی» و «توده‌ای» به این‌وی‌آن و اقدامات انقلابی مستور ساخت.

هدف ضمنی این شاتاژ نیز می‌رود برای نیروهای مسلمان انقلابی چنان آشکار شود که جانی برای تفرقه‌انگیزی ایجادفاق مصنوعی بین مجموعه خواستاران رزمنده صدیق انقلابی باقی نماند، زیرا هر روز با وضوح بیشتری روشن میشود که مرز میان طرفداران و مخالفان انقلاب، مرز بین مسلمانان و غیرمسلمانان، یا مرز بین مسلمانان انقلابی و نیروان سوسیالیست علمی نیست، و همانگونه که نمیتوان «توده‌ای» را برای انقلاب «خطر» و «انگیز» پیمانگونه نیز نمیتوان با «اسلام‌پناهی» کاذب نقض چاره‌ساز کن ضدانقلاب را یا موقتاً انجام داد.

ولی شاتاژ پرجسب «کمونیستی» زدن و «خطر توده‌ای» از جانب ضدانقلاب آشکار و پنهان و از جانب نمایندگان سرمایه‌داری لبرال ایران همچنان ادامه دارد. طوفان انقلاب «قایق» این شاتاژ را شکسته، ولی مگر قایق‌تشیان و روشکسته میتواند در دریای طوفانی قایق شکسته خود را رها کند؟!

# پیام شادباش سازمان حزب توده ایران در آمل به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران! هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران در شرایطی برگزار گردید که مبین واکنش شکوهمند ما در حساس‌ترین لحظات سرنوشتی خویش قرار گرفته است. مسوولان هفدهمین پلنوم (وسیع) نمایانگر تطبیق دقیق و علمی از اوضاع و احوال و نتیجه‌نامه انقلابی و در عین حال مویذ کاربست خلق و پویای اندیشه‌های دوران ساز سوسیالیسم علمی بر شرایط ویژه کشورماست.

حزب ما تنها نیروی سیاسی و انقلابی است که با تدبیر برنامه‌های روشن و تحول‌آفرین، موافق با نیاز نوسازی جامعه و دگرگونی بنیادی در تمامی عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بحق رسالت تاریخی خود را به عنوان حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران پیش از پیش به‌اثبات رسانده است. وحدت ایدئولوژیک، سیاسی و سازمانی، در رهبری و سراسر حزب، هفدهمین پلنوم (وسیع) را به عنوان پلنوم تاریخی در طول چهل سال حیات افتخارآفرین حزب ما برجسته می‌سازد.

ما ضمن تحریک و تهنیت به رفقای ارجمند کمیته مرکزی به‌مناسبت انجام موفقیت‌آمیز کار هفدهمین پلنوم (وسیع)، و همچنین به همه اعضاء و هواداران حزب، برای خود وظیفه‌های سنگین، قائلیم، تا با الهام از مسوولان پلنوم، با همه تلاش و توانمان رهنمودهای آن را در جهت تحکیم گسسته‌های دستان و دستاوردهای انقلاب شکوهمند بینم و برای ایجاد ایران مستقل، آزاد و شگرفا تحقق بخشیم.

زندمباد حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران!

جاویدباد مثل فروزان اندیشه‌های دوران ساز سوسیالیسم علمی!

زندمباد جبهه متحد خلق!



## در پی مرگ ریموند مکریش و پاتریک اوهارا، تظاهرات خونینی در سراسر ایرلند شمالی آغاز شد

ریموند مکریش و پاتریک اوهارا، مبارزان ایرلندی زندان «هیز»، در شصت و یکمین روز اعتصاب غذای خود در گذشتند. بدین ترتیب، شماره زندانیان ایرلند شمالی، که برای دستیابی به موفقیت زندانی سیاسی به اعتصاب غذا متوسل شده و جان خود را از دست داده‌اند، به چهار میرسد. دولت «لندن» از پذیرش خواستهای بحق آنها لجاجت خودداری می‌ورزد.

دربار پخش خبر مرگ ریموند مکریش و پاتریک اوهارا زردخوردگی گسترده‌ای در بلغارستان و لندن و در دیگر شهرهای «آلستر» آغاز شد، که به تلفات زیادی انجامیده است.

## ریگان به استقرار موشک‌های هسته‌ای در اروپای باختری اصرار می‌ورزد

هلמות اشیت، صدراعظم جمهوری فدرال آلمان، گفتگوی خود را در واشینگتن با پرزیدنت ریگان آغاز کرد. بکارش خبرگزاری، ریگان تأکید نمود که ایالات متحده بر استقرار موشک‌های جدید آمریکا در اروپای باختری اصرار خواهد ورزید.

در جریان گفتگوهای ریگان - اشیت تظاهراتی در برابر دکان سفید، برگزار شد. تظاهرکنندگان، که برخی از شهروندان آلمان غربی را نیز دربرمیگرفتند، خواهان خودداری از اجرای نقشه استقرار موشک‌های نامبرده گردیدند.

## قرارداد نظامی محرمانه میان آمریکا و ژاپن پس از بیست سال فاش می‌شود

در ژاپن، «حزب سوسیالیست»، حزب حاکم این کشور، یعنی «حزب لیبرال دمکرات» را به فریب مردم متهم کرده است. این سخن در بیانیه‌ای آمده است که پس از انشای گزارش ادوین ری شاتوئر، سفیر سابق ایالات متحده آمریکا در توکیو، منتشر شد. بموجب این گزارش، طبق قرارداد محرمانه‌ای، کشتی‌های جنگی آمریکایی می‌جوز به جنگ‌افزارهای هسته‌ای، میتوانند در بندرهای ژاپن لنگر بیندازند.

ادوین ری شاتوئر، در مصاحبه‌ای با روزنامه «مای نیو» گفته است که، این قرارداد، دیرواقع، بیش از بیست و یکسال است که اجرا می‌شود.

اطلاعات سفیر سابق ایالات متحده آمریکا شکفت و خشم مردم ژاپن را برانگیخته است.

## پیرموروا نخست‌وزیر فرانسه شد

روز ۳۱ اردیبهشت ۶۰، فرانسه میتران مقام ریاست جمهوری فرانسه را احراز کرد.

میتران، پیرموروا، عضویت

## در «کنفرانس بین‌المللی در باره مجازات آفریقای جنوبی»، سخنرانان از سیاست دولت‌های غربی انتقاد شدید کردند

در مقر «یونسکو» در پاریس، کنفرانس بین‌المللی در باره مجازات آفریقای جنوبی به کار خود ادامه میدهد.

تأییدکنندگان در حدود صد کشور، از جمله ایران، به اتخاذ تدابیر لازم برای متروک کردن رژیم نژادپرست آپارتاید مشغولند. در این کنفرانس، سخنرانان ضرورت رعایت آکید قطعنامه‌های سازمان ملل متحد را در باره مجازات آفریقای جنوبی، از جمله تحریم واکنداری و صدور نفت و جنگس، اقرار به این کشور، یادآور شدند.

آنها دولت‌های غربی، بویژه ایالات متحده آمریکا، را بخطر پستیانی از رژیم آپارتاید مورد انتقاد قرار دادند.

آدام کاجو، دبیر کل سازمان وحدت آفریقا، گفت:

«فرمانروایان آفریقای جنوبی سرکوب، قتل و شکنجه را جزئی از سیاست خود کرده‌اند. کوئید پروتست دربار ما به کنفرانس یادآور شد که:

«دیگر نمی‌توان مجازات آفریقای جنوبی را به تأخیر انداخت. اتحاد شوروی یوسته از اتخاذ تدابیر قاطع برای براندازی رژیم آپارتاید و آفریقای پستیانی کرده است.»

**نامه مردم**  
انگاز مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: متوجه پیرزادی

شماره ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر «نامه مردم» هنوز در اختیار «نامه مردم» نیست)

چاپ: کاویان

**NAMEH MARDOM**  
No. 518  
23 May 1981

Price:  
West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همه مناسبات دولتی و غیردولتی میتوانند به آدرسی زیر به نام «نامه مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱ منطقه ۱۴ پستی تهران

## دیدار وزیر خارجه مکزیک از اتحاد شوروی

یکای تیئوتوکه نخست‌وزیر اتحاد شوروی، سیور خوروشه کاستاندا، وزیر خارجه مکزیک را بحضور خود پذیرفت. وزیر خارجه مکزیک اکنون به سفر ساخت که کشور او با نظر اتحاد شوروی پیش‌تر گواهی برای ایجاد جو بین‌المللی سالاری هم‌اوست و از اینکارات اتحاد شوروی در این زمینه پستیانی خواهد نمود.

## رئیس جمهوری سوسیالیستی رومانی گفتگوهای خود را در پراگ آغاز کرد

روز سه‌شنبه ۲۹ اردیبهشت ۶۰، گفتگوهای میان گوستاو هوساک و یکای چائوشسکو، رهبران چکسلواکی و رومانی، در پراگ آغاز شد.

همکاری اقتصادی در چارچوب رسمی سه روزه به چکسلواکی رفته است. این گفتگوها همکاری گسترش مناسبات متقابل در میان دو کشور بویژه در زمینه زمینه‌های گوناگون اعلام‌هاستند.

## مردم لهستان از «ضد انقلاب حزبی» می‌گویند

ینوشته پروادا: «گوشی حزب متحد کارگری لهستان و دولت لهستان برای عادی سازی و تثبیت زندگی اجتماعی در کشور، با مبارزه سیاسی پیچیدگی همراه است.»

گزارش خبرنگار «پروادا» در لهستان یادآور میشود که باید توجه دشمنان سوسیالیسم را عقیم ساخت.

در مقاله «پروادا» گفته میشود: «ضد انقلابیست که مردم لهستان امروزه از «ضد انقلاب خوروشه» سخن می‌گویند. هدفهای دشمنان سوسیالیسم در مرکز ضد کمونیستی و ضد لهستانی در غرب هاشنگی می‌یابد. دشمنان آشکار لهستان سوسیالیستی توانسته‌اند در رهبری اتحادیه «هیسنگر» رخنه کنند. از سوی دیگر، یکی از رهبران بلندیایه «حزب متحد کارگری لهستان» گفته است که گروه ضد سوسیالیستی «کوس» در لهستان، بیشتر دستگاه‌های جاسوسی غرب تشکیل شده است.

یانوش گورچسکی، در مصاحبه‌ای با سواتیسکیا یاراسیاه افزود: «باصطلاح «کمیته دفاع مردم از خود» در «هیسنگر» رخنه کرده است، این گروه مخالفه «مشاوره» «هیسنگر» شده است و قصد دارد که این اتحادیه سندیکایی را به سازمانی سیاسی بدل کند. یکنه «یانوش گورچسکی»، «کوس» کسکهای هنگتی از غرب دریافت می‌دارد.

# باتشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم